

معجزه‌ای از نوع کتاب

قسمت اوّل : کلیات

الف) اهداف

۱- هدف کلی : تبیین معجزه بودن قرآن کریم و سند حقانیت بودن آن برای پیامبری حضرت محمد(ص)

- ۲- اهداف آموزشی : انتظار می‌رود که دانش آموزان در پایان درس بتوانند :
- آیه و نشانه بودن قرآن کریم بر نبوت پیامبر اکرم (ص) را توضیح دهند.
 - تناسب میان معجزه پیامبر و ختم نبوت را تبیین کنند.
 - جنبه‌های اعجاز قرآن کریم را بیان نمایند.
 - تدبر در آیات و استخراج پیام‌های مرتبط با موضوع

ب) پیش‌دانسته‌ها

- آنچه دانش‌آموزان قبلاً آموخته‌اند :
- قرآن کریم، کتاب هدایت مسلمانان
 - خاتم پیامبران بودن حضرت محمد (ص)
 - معجزه و نمونه‌های آن در پیامبران گذشته
 - پیامبری و ضرورت معجزه

ج) اصطلاحات علمی درس

- ۱- معجزه : آیه و نشانه‌ای است که پیامبران برای اثبات نبوت و ارتباط خود با خدا می‌آورند و همراه با تحدی است و دیگر انسان‌ها از انجام مثل آن عاجزند.

۲- اعجاز لفظی: آیات قرآن کریم از نظر فصاحت و بلاغت و زیبایی‌های لفظی معجزه است.

۳- اعجاز محتوایی: معارف و محتوای قرآن کریم معجزه است.

۴- امی: از اُم به معنای مادر گرفته شده است. امی به کسی می‌گویند که نزد کسی درس نخوانده و سواد و علم نیاموخته است و به همان حالت مادرزادی که خواندن و نوشتن نمی‌دانست، باقی مانده است.

د) ارتباط با درس قبل

پس از بحث دربارهٔ راهنمایی خداوند از طریق ارسال پیامبران و خاتمه یافتن آن با آمدن پیامبر اسلام، اکنون نوبت به این مسئله می‌رسد که آیا تناسبی میان معجزهٔ پیامبر اکرم(ص) و خاتمیت ایشان وجود دارد یا نه. این درس به ابعاد این مسئله و معجزهٔ جاوید پیامبر اکرم(ص) می‌پردازد.

هـ) محورهای اصلی درس

- ۱- پیامبران برای اثبات نبوت خود، بیّنه و نشانه عرضه می‌کردند که معجزه نام دارد.
- ۲- معجزهٔ پیامبران اختصاص به زمان خودشان داشت، اما معجزهٔ پیامبر اکرم(ص) همیشگی است.
- ۳- قرآن کریم هم از جنبه‌های ظاهری و هم محتوایی معجزه است.

قسمت دوم: سازماندهی فعالیت یاددهی — یادگیری

الف) ارزشیابی

مطابق با موارد مشخص شده، در ابتدای کلاس، از درس قبل ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

با توجه به این که این درس دربارهٔ قرآن کریم است، خوب است دیر از ابتکاراتی استفاده کند و فضای مناسبی در کلاس ایجاد نماید. مثلاً با قرآن وارد کلاس شود، با صوت زیبای یکی از قاریان

کلاس را شروع نماید، قاری برجستهٔ مدرسه یا شهر را به کلاس دعوت کند و ...
همچنین مناسب است که ابتدا دربارهٔ نیاز پیامبران به معجزه و بینه توضیحاتی داده شود و کلمات
«معجزه» و «بینه» معنا گردد.

همچنین مناسب است که ابتدا تعدادی قرآن بین افراد یا گروه‌ها توزیع شود و برخی مشخصات
قرآن از دانش‌آموزان سؤال شود و اطلاعاتی در اختیار آن‌ها قرار گیرد :

تعداد سوره‌های قرآن : ۱۱۴ سوره

تعداد آیات قرآن : ۶۲۳۶ آیه

اولین آیات نازل شده : ۵ آیهٔ اول سورهٔ علق

تعداد جزءهای قرآن : سی جزء

تعداد حزب‌های قرآن : ۱۲۰ حزب

اولین و آخرین سورهٔ قرآن : حمد و ناس

قلب قرآن : یس (پیامبر اکرم (ص) فرمود : إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبٌ وَ قَلْبُ الْقُرْآنِ

سورهٔ یس^۱)

عروس قرآن : الرحمن (پیامبر اکرم (ص) فرمود : لِكُلِّ شَيْءٍ عَرُوسٌ وَ عَرُوسُ

الْقُرْآنِ سورهٔ الرحمن جَلَّ ذِكْرُهُ^۲)

در پایان این گفت‌وگو، دبیر دو سؤالی که در مقدمهٔ درس آمده را روی تابلو می‌نویسد.

ج) انتخاب روش تدریس

دبیر، یک یا چند روش از روش‌های مناسب را برای تدریس خود انتخاب می‌کند.

د) اجزای تدریس

در تدریس این درس باید اجزای زیر گنجانده شود.

۱- تفسیر نمونه، آغاز سورهٔ یس

۲- تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۰

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	انجام فعالیت پیام آیات
۳	تبیین ضرورت آوردن معجزه از طرف پیامبران
۴	انجام فعالیت جست و جو
۵	تبیین رابطه میان معجزه پیامبر اکرم (ص) و ختم نبوت
۶	توضیح جنبه های اعجاز
۷	توضیح متن «برای مطالعه»
۸	انجام فعالیت «تطبیق»
۹	تبیین رابطه ای بودن پیامبر و نوع معجزه ایشان
۱۰	انجام فعالیت «تطبیق»
۱۱	توضیح متن «برای مطالعه»

۱- قرائت و ترجمه آیات

در ابتدای تدریس، قرائت و ترجمه آیات توسط دانش آموزان انجام می شود و نمره آنان در برگه ارزشیابی ثبت می گردد.

۲- انجام فعالیت پیام آیات

دانش آموزان به تفکر در آیات ابتدای درس می پردازند تا پاسخ به سؤال های طرح شده در این فعالیت را به دست آورند.

– بنابر آیه ۲۳ سوره بقره، کسی که می پندارد این قرآن از جانب غیر خداست، برای اثبات ادعای خود، سوره ای مانند یکی از سوره های قرآن بیاورد. (حال چه خودش این سوره را ساخته باشد و چه از ادیبان و دانشمندان کمک گرفته باشد، چه آن سوره بزرگ باشد و چه کوچک)
بنابر آیه ۲۴ سوره بقره، اگر کسی بدون دلیل منکر الهی بودن قرآن باشد، عذاب الهی در انتظار اوست. (زیرا بدون دلیل و از روی لجبازی حق را کنار گذاشته و به راه باطل رفته است).

بنابر آیه ۸۲ سوره نساء، یکی از دلایل الهی بودن قرآن، نبودن اختلاف در محتوای این کتاب است (هیچ تناقض و ناسازگاری میان معارف و آموزه های آن نیست و تمام قسمت هایش یکدیگر را تأیید می کنند. با این که این کتاب در ظرف ۲۳ سال بر پیامبر نازل شده است).

بنابر آیه ۴۸ سوره عنکبوت، اگر پیامبر خواندن و نوشتن می‌دانست و یک نویسنده و ادیب بود، جای آن داشت که کج‌اندیشان درباره الهی بودن قرآن دچار شک شوند.

۳- تبیین ضرورت آوردن معجزه

دبیر، با توجه به پیام آیات، ضرورت آوردن معجزه توسط پیامبران را تبیین می‌کند و فهرستی از معجزات انبیاء ارائه می‌دهد.

معجزه اصلی حضرت موسی اژدها شدن عصا و یدییضای او بود. البته آن حضرت نه معجزه داشت که در آیه ۱۳۳ سوره اعراف به آن اشاره شده است.

معجزه حضرت صالح، شتر بود.

معجزه حضرت عیسی نیز در کتاب درسی ذکر شده است.

۴- انجام فعالیت جست و جو

دانش‌آموزان، در این فعالیت می‌کوشند تا مواردی از معجزات را که تناسبی با زمان داشته بیابند و ذکر کنند؛ به طور مثال، معجزه عصای حضرت موسی (ع) و تبدیل آن به ماری بزرگ، بدان جهت بود که در آن عصر، ساحران به کار سحر می‌پرداختند و ریسمان‌های بزرگ و کوچک خود را در نظر مردم به صورت مار جلوه‌گر می‌ساختند. در زمان حضرت عیسی (ع)، پزشکان مهارت زیادی داشتند و حضرت عیسی (ع) با معالجه بیماران لاعلاج، بدون استفاده از دارو، حقانیت خود را ثابت می‌کرد. در زمان پیامبر اسلام نیز ادبیات و شعر و خطابه رواج داشت و کلام زیبای قرآن همه را مقهور می‌کرد.

۵- توضیح جنبه‌های اعجاز

در این قسمت، دبیر تقسیم‌بندی جنبه‌های اعجاز را به صورت زیر عرضه می‌کند؛

۱- نشانه‌های لفظی و ظاهری

۱- انسجام درونی در عین نزول تدریجی

۲- تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت

۳- جامعیت و همه‌جانبه بودن

۴- تازگی و شادابی دائمی

۵- ذکر نکات علمی بی‌سابقه

۲- نشانه‌های محتوایی و معنایی

جنبه‌های اعجاز

ذکر نمونه‌ها در جنبه‌های اعجاز اهمیت دارد و آن‌ها را برای دانش‌آموزان روشن‌تر، واضح‌تر و قابل درک می‌سازد. برخی از این نمونه‌ها در بخش‌های «برای مطالعه» آمده و دبیر می‌تواند در ضمن توضیحات خود از آن‌ها استفاده کند.

۶- توضیح متن «برای مطالعه»

برای مطالعه این درس مربوط به اعجاز لفظی است که نمونه‌ای تاریخی برای آن ذکر شده است.

قرار دادن نمونه‌ها در بخش «برای مطالعه» بدان جهت بوده که دانش‌آموزان باید اصل جنبه‌های اعجاز را بدانند و نمونه‌ها صرفاً برای روشن کردن آن جنبه‌هاست و نیازی نیست که حجم زیادی از اطلاعات را که برای نمونه ذکر می‌شوند، حفظ کنند و در امتحان‌های مختلف پاسخ‌گو باشند و زمینه طرح تست‌های مختلفی را فراهم آورند که فقط حافظه دانش‌آموزان را هدف گرفته‌اند.

۷- انجام فعالیت تطبیق

در این فعالیت، دانش‌آموزان میان یکی از پیام آیات و ویژگی «انسجام درونی، در عین نزول تدریجی» مطابقت می‌دهند تا ارتباط میان آیات و محتوای درس را بهتر دریابند. این ویژگی با پیام شماره ۳ مطابقت دارد.

۸- تبیین رابطه‌امی بودن پیامبر و نوع معجزه ایشان

دبیر، به تبیین این موضوع می‌پردازد که با اینکه رسول خدا (ص) در هیچ دوره‌ای از سن خود درس نخوانده بود، ولی کتابی به بشریت عرضه کرد که هیچ کس توانایی آوردن کتابی مانند آن را ندارد.

۹- انجام فعالیت تطبیق

در این فعالیت، دانش‌آموزان میان امی بودن پیامبر و پیام آیات مطابقت می‌دهند تا ارتباط میان آیات و محتوای درس را بهتر درک کنند.
موضوع امی بودن پیامبر با پیام شماره ۴ ارتباط دارد.

۱۰- توضیح متن برای مطالعه

برای مطالعه «الف» برای نشان دادن عدم تبعیت قرآن کریم از فرهنگ و عقاید جاهلیت است. این جنبه از اعجاز، یعنی «تأثیرناپذیری و تبعیت نکردن از عقاید جاهلیت» اهمیت خاصی دارد و ناظر بر بحث‌هایی است که امروزه برخی از فلاسفه دین در دنیای مسیحیت و به تبع آن‌ها برخی از نویسندگان مسلمان به راه انداخته‌اند و می‌گویند: متون دینی و از جمله قرآن، متأثر از شرایط زمان بوده‌اند. از جمله این نویسندگان، نصر حامد ابوزید است که دو کتاب وی با نام‌های «معنای متن» و «نقد گفتمان دینی» به فارسی ترجمه شده است.

این دیدگاه معتقد است که قرآن کریم، همچون کتاب‌های دیگر یک کتاب مخصوص و مناسب با عصر و زمان تدوین آن است. این دیدگاه دارای آثاری است که به تدریج ظاهر خواهند شد. از جمله این آثار معجزه نبودن قرآن در این عصر، مخلوط بودن قرآن از مطالب صحیح و غلط و قابل اجرا نبودن بسیاری از احکام قرآن در این زمان است.

نمونه‌هایی که این نویسندگان ذکر می‌کنند، هیچ‌کدام معارف اصلی و روح حاکم بر قرآن کریم نیست بلکه مثال‌های توضیحی یا موضع‌گیری در مقابل برخی از وقایع خارجی آن زمان و راه‌حل‌هایی برای آن وقایع و مسئله‌هاست. به‌طور مثال، قرآن از حیوان‌هایی نام می‌برد که برای اعراب شناخته شده بود. اینان باید توجه کنند که تأثیرپذیری یک امر ناخودآگاه و صرفاً ناشی از قرار گرفتن در یک فضای فرهنگی خاص است که بر انسان‌ها تحمیل می‌شود و این تأثیرپذیری در مورد خداوند منتفی است. به همین جهت مشاهده نمی‌شود که در قرآن کریم تحت تأثیر فرهنگ شرک‌آلود، ذره‌ای از توحید تجاوز شود.

آنچه در قرآن کریم وجود دارد، استفاده از برخی اطلاعات و دانش‌های مردم برای توضیح موضوع‌ها و آوردن مثال‌هاست.

«برای مطالعه» «ب» موقعیت قرآن کریم نزد دانشمندان را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که وقتی دانشمندان بزرگ جهان با قرآن مواجه می‌شوند و به محتوای آن پی می‌برند، به عظمت و بزرگی از آن یاد می‌کنند، گرچه مسلمان نباشند.

ه) انجام بخش اندیشه و تحقیق

سؤال اول، درباره نوع اعجاز پیامبر اکرم (ص) و جاودانه بودن این اعجاز است. چون این اعجاز از سنخ علم و فرهنگ و کتاب است، می‌تواند دوام داشته باشد و آیاتی از قرآن که مخالفان را به آوردن سوره‌ای مشابه دعوت می‌کند، امروز هم موضوعیت دارد و مخالفان نمی‌توانند سوره‌ای مشابه با یکی از سوره‌های قرآن ارائه کنند که نزد آگاهان مورد قبول قرارگیرد. این جاودانگی در اعجاز، نشانگر جاودانگی دین اسلام است و امروزه اگر کسی بخواهد بداند که آیا پیامبر اسلام از جانب خدا آمده یا نه، باید به قرآن کریم مراجعه کند؛ زیرا قرآن کریم سند نبوت ایشان است.

او می‌تواند دریابد که تاکنون کسی سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن عرضه نکرده است. اگر این اعجاز جاودانه نبود، پذیرش دین اسلام در هر عصر و زمانی مشکل می‌شد و مردم نمی‌توانستند جاودانه بودن تعلیمات اسلام را بپذیرند.

سؤال دوم، دربارهٔ آیهٔ ۸۲ سورهٔ نساء است. این آیه می‌فرماید: اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، ناسازگاری و اختلاف فراوانی در آن می‌دیدند؛ زیرا این قرآن به تدریج برای مردم خوانده شده و در ظرف زمانی ۲۳ سال تکمیل شده است. محتوای آیات به گونه‌ای هم نیست که مثلاً پیامبر اکرم (ص) قبلاً آن را نوشته باشد اما به تدریج بر مردم بخواند بلکه بیشتر آیات در ضمن حوادثی که پیش می‌آمد و در ارتباط با آن‌ها نازل می‌شد؛ یعنی آیات دارای شأن نزول هستند.

حال اگر قرآن کریم از جانب خداوند نمی‌آمد و به تدریج توسط شخص پیامبر یا هر فرد دیگری در مدت ۲۳ سال تنظیم می‌شد، اختلافات زیادی در آن پدید می‌آمد. چون پیامبر روز به روز پخته‌تر و کامل‌تر می‌شد، علم ایشان افزایش می‌یافت و در مقابل رخدادها، موضع‌گیری‌های بهتری می‌گرفت و نظرات بهتری ارائه می‌نمود.

سؤال سوم دربارهٔ آیهٔ ۵ سورهٔ علق است. این آیات، که اولین آیات نازل شده، بر پیامبر اکرم (ص) است، از خداوندی یاد می‌کند که به وسیلهٔ قلم و نوشتن به انسان‌ها تعلیم می‌دهد و آن‌چه را انسان نمی‌داند، به او یاد می‌دهد. یعنی علم و دانش و نویسندگی را تکریم کرده و آن را به خداوند نسبت داده است. این آیات، بیانگر آن است که پیامبر اکرم تحت تأثیر فرهنگ جاهلی نبوده است. ایشان با این که درس نخوانده بود، در اولین آیاتی که برای مردم آورد از علم و درس و کتابت با مردم سخن گفت.

و) انجام پیشنهادها

پیشنهاد اول، بیشتر جنبهٔ قلبی و عاطفی دارد و به این جهت است که اگر کسی خاطره‌ای دربارهٔ مطالعه با قرائت قرآن و انس با آن دارد در کلاس مطرح کند و زمینهٔ انس و علاقه‌مندی بیشتر او با قرآن فراهم آید. خوب است دبیر محترم برای این‌گونه پیشنهادها فرصت و فضای مناسب در کلاس ایجاد کند و یکی دو نمونه را هم خودش مطرح سازد تا دانش‌آموزان به انجام دادن این فعالیت تشویق شوند. انجام دادن این فعالیت‌هاست که پیوند با قرآن را افزایش می‌دهد و گاهی هرچند کوچک به سوی تربیت دینی برداشته می‌شود.

پیشنهاد دوم، دربارهٔ معجزات پیامبران دیگر است. دانش‌آموزان می‌توانند با مراجعه به قرآن کریم یا کتاب‌های مربوط به قصص انبیا این معجزات را بیابند و در کلاس گزارش دهند. برای انجام دادن این پیشنهاد، خوب است که دبیر محترم، دانش‌آموزانی را مأمور این کار کند و کتابی دربارهٔ پیامبران به آن‌ها بدهد تا معجزات را بیابند و به کلاس گزارش دهند.

پیشنهاد سوم، یک برنامه عملی است برای توجه به پیام‌های قرآن، در هنگام قرائت آن و ارزیابی خود با آموزه‌های این کتاب الهی. این پیشنهاد، در مرتبه اول برای ما دبیران ارزشمند است که در هنگام خواندن قرآن کریم، ببینیم که تا چه میزان رفتارمان منطبق بر دستورات آن است و لذا بهتر است، خودمان بیشتر بدان پایبند باشیم و سپس دانش‌آموزان را تشویق به این برنامه نماییم.

ز) ارزشیابی از میزان یادگیری

در این درس، موارد زیر باید مورد ارزشیابی قرار گیرد :

- ۱- توانایی قرائت و ترجمه آیات
- ۲- انجام فعالیت پیام آیات
- ۳- تبیین رابطه معجزه و نبوت
- ۴- توانایی انجام فعالیت جست‌وجو
- ۵- بیان تفاوت معجزه پیامبر اکرم با معجزه سایر پیامبران
- ۶- بیان تناسب معجزه پیامبران با زمان خودشان
- ۷- توضیح درباره تحدی قرآن
- ۸- توضیح درباره اعجاز لفظی و محتوایی
- ۹- توانایی در انجام فعالیت تطبیق
- ۱۰- بیان ابعاد اعجاز محتوایی
- ۱۱- تبیین رابطه امی بودن پیامبر و اعجاز آن حضرت
- ۱۲- انجام فعالیت تطبیق
- ۱۳- استفاده از قسمت‌های برای مطالعه و گزارش آن‌ها برای نمره تشویقی
- ۱۴- انجام بخش اندیشه و تحقیق و پاسخ به سؤال‌های آن
- ۱۵- انجام فعالیت‌های بخش پیشنهاد برای نمره تشویقی
- ۱۶- مشارکت در انجام فعالیت‌ها و حضور مؤثر در تدریس

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری معلم

۱- اطلاعاتی دربارهٔ مشخصات و ویژگی‌های قرآن : این مشخصات که برخی از آن‌ها در ابتدای این درس ذکر شد، آشنایی دانش‌آموزان را نسبت به قرآن افزایش می‌دهد و آمادگی بیشتری برای تدریس ایجاد می‌کند.

۲- معنای معجزه و تفاوت آن با کرامات و کارهای خارق‌العاده : راه تشخیص این که بدانیم چیزی معجزه است، از این طریق است که معجزه هر امر خارق‌العاده‌ای است که :
اولاً : دربارهٔ آن امر، تحدی شده باشد؛

ثانیاً : کسی از عهدهٔ تحدی برنیامده باشد، و به تعبیر دیگر این که : «آن معجزه، مغلوب کسی واقع نشود و کسی بر آن غلبه نکند».

با قید اول، کرامات اولیا و کارهای خارق‌العادهٔ مرتاضان از معجزه جدا می‌شوند (زیرا درعین این که آن‌ها اموری خارق‌العاده‌اند، اما آورندهٔ آن‌ها تحدی نکرده؛ یعنی نخواستسته است به آن وسیله نبوت خود را اثبات کند).

با قید دوم، مدعیان دروغین از انبیای واقعی تفکیک می‌شوند.

اکنون وقتی در مورد قرآن ادعا می‌کنیم معجزه است، نشان می‌دهیم که :

اولاً : دربارهٔ قرآن تحدی شده و این تحدی در آیات متعددی از خود قرآن آمده است. از جمله دربارهٔ کل قرآن : «وَلئن اجتمعت الإنس و الجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیراً»^۱ و دربارهٔ لا اقل ده سوره : «أم یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات»^۲؛ بلکه حتی آوردن یک سوره : «و أن کنتم فی ریب مما أنزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائکم من دون الله إن کنتم صادقین»^۳.

ثانیاً : علمای ادبیات عرب در طول تاریخ نشان داده‌اند که تمام تحدی‌هایی که علیه قرآن کریم

۱- اسراء ۸۸/۱۷ : بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ هرچند برخی از آن‌ها پشتیبان برخی دیگر باشند.

۲- هود ۱۳/۱ : یا می‌گویند : این [قرآن] را به دروغ ساخته است. بگو [اگر راست می‌گویید] ده سورهٔ ساختگی مانند آن بیاورید.

۳- بقره ۲۳/۲ : و اگر در آنچه بر بندهٔ خود نازل کردیم، شک دارید، پس - اگر راست می‌گویید - سوره‌ای مانند آن بیاورید، و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید.

مطرح شده است، به هیچ وجه نه به لحاظ اسلوب ادبی و نه به لحاظ محتوایی، با قرآن قابل مقایسه نیستند.^۱

اما درباره این که کدام جنبه قرآن معجزه است، علامه طباطبایی (ره) تأکید می کند: «از خود قرآن چنین برمی آید که معجزه بودن قرآن به جنبه فصاحت و بلاغت آن منحصر نمی شود؛ زیرا تنها بر سر این مطلب تحدی نشده است؛ بلکه در قرآن کریم، از حیث علم و معرفتی که قرآن عرضه کرده است^۲، از حیث کسی که قرآن بر او نازل شده^۳، از حیث آوردن اخبار غیبی^۴ و خصوصاً از این حیث که هیچ اختلاف و تعارض و تناقضی در قرآنی که در طول ۲۳ سال نازل شده است، وجود ندارد^۵، تحدی شده است لذا قرآن کریم از همه این ابعاد، معجزه است.»^۶

در مورد این که: «آیا قرآن در هر عصری، برای مردم آن عصر از جنبه خاصی معجزه است؟» باید گفت: اگر مقصود این باشد که: «مثلاً قرآن در زمان پیامبر (ص) از حیث فصاحت و بلاغت معجزه بوده است، ولی الان دیگر از این حیث معجزه نیست و بلکه مثلاً از حیث مکاشفات علمی معجزه است»، این سخن درست نیست؛ زیرا در تمامی مواردی که قرآن از آن حیث معجزه بوده است، باید همیشه معجزه باشد؛ زیرا قرآن «معجزه جاویدان» است و اگر اعجازش عصری و دوره ای باشد، دیگر اعتبار جاودانه اش زیر سؤال می رود؛ اما اگر به این معنا باشد که با گذشت زمان، جنبه های دیگری از اعجاز قرآن کشف شود، یا به این معنا باشد که در زمان های مختلف، تأکید بر برخی جنبه ها نسبت به جنبه های دیگر برای برخی از مردم ارجحیت داشته باشد، مسلماً پاسخ آن پرسش مثبت است؛ یعنی اولاً، همان طور که در احادیث و وعده داده شده، قرآن روز به روز بر طراوتش افزوده می شود^۷، و این به خاطر همین کشف جنبه های اعجازی جدید قرآن است؛ چنان که مثلاً در همین سنوات اخیر، اکتشافاتی در مورد جنبه های

۱- مثلاً مراجعه کنید به: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۲۲۷ به بعد؛ و مصطفی صادق رافعی، اعجاز قرآن و بلاغت محمد (ص)، ص ۱۵۸-۱۴۱.

۲- مثلاً آیه ۸۹ سوره نحل: و نزلنا علیک الكتاب تبیناً لکل شیء.

۳- مثلاً آیه ۱۶ سوره یونس: قل لو شاء الله ما تلوته علیکم و لا ادریکم به فقد لبثت فیکم عمراً من قبله افلا تعقلون.

۴- مثلاً آیه ۴۹ سوره هود: تلک من انباء الغیب نوحیها الیک ما کنْتَ تعلمها اَنْت و لا قومک من قبل هذا.

۵- مثلاً آیه ۸۲ سوره نساء: افلا یتدبرون القرآن، ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیهِ اختلافاً کثیراً.

۶- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۱۵-۹۳.

۷- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۸۰: امام رضا (ع) نقل می کند که کسی از امام صادق (ع) می پرسد: «ما بال قرآن لا یزداد علی النشر و الدرس إلا غضاضة». فرمود: «ان الله تبارک و تعالی لم یجعل له زمان دون زمان و لناس دون ناس فهو فی کل زمان جید و عند کل قوم غرض الی یوم القیامة.»

اعجاز عددی قرآن کریم صورت گرفته است^۱؛ و ثانیاً برای مردم هر دوره‌ای، برخی جنبه‌های اعجاز قرآن تأثیرگذارتر است؛ مثلاً فارسی‌زبانان شاید از اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن، مطلب چندانی متوجه نشوند؛ ولی اعجاز محتوایی آن برایشان جذاب‌تر باشد. یا مثلاً، فلاسفه اعجاز قرآن را بیشتر در ابعاد فلسفی و عقلی آیات می‌بینند و دانشمندان علوم تجربی در برخی ابعاد دیگر؛ و ...

حدود پانزده قرن از نزول قرآن کریم می‌گذرد در طول این مدت آیات تحدی آن در معرض دید دانشمندان و ادیبان جهان بوده است. از همان ابتدای ظهور تاکنون نیز دشمنان زیادی وجود داشته‌اند که می‌خواسته‌اند دین اسلام را نابود کنند.

خوب است به دانش‌آموزان بگوییم اگر قرآن کریم کلام خدای بزرگ نبود و ساخته ذهن یک انسان می‌بود، آسان‌ترین کار برای از بین بردن اسلام، آوردن کتابی مشابه آن بود. راستی این چه کتابی است که هم از نظر محتوایی و هم از نظر ادبی و لفظی در برابر مخالفان مقاومت می‌کند و کسی نمی‌تواند با آن مبارزه نماید.

ممکن است کسی بگوید کسانی هستند که ادعا می‌کنند مثل آیات قرآن آورده‌اند. از کجا بدانیم که چنین اشخاصی ناتوان بوده‌اند.

می‌گوییم راه تشخیص آسان است. ما می‌توانیم این موضوع را با کتاب‌های دیگر مقایسه کنیم. کتاب‌های بزرگ‌ترین متفکران جهان را در نظر بگیرید. این کتاب‌ها گرچه اعجاب مردم دنیا را برانگیخته و برخی از آن‌ها پس از گذشت قرن‌ها هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما از همان زمان تألیف تاکنون به برخی اشتباهات موجود در آن‌ها پی برده‌اند و برای اهل دانش روشن شده که کدام قسمت‌های کتاب اشتباه است. یعنی برای اهل هر تخصصی، پس از گذشت مقداری از زمان، مشکلات و اشتباهات هر کتابی روشن می‌شود و مردم می‌دانند که همه مطالب آن کتاب صحیح نیست و آن کتاب بیشتر ارزش تاریخی دارد. مثلاً کتاب قانون ابن‌سینا که در پزشکی بود و چند قرن تدریس می‌شد، اکنون بیشتر جنبه تاریخی دارد و بسیاری از نظرات آن ناقص بوده است.

حال می‌گوییم اگر کسانی در طول تاریخ توانسته بودند جملاتی مثل قرآن بیاورند و یا نقاط ضعف ادبی قرآن را روشن کنند، به تدریج اهل ادب به این موضوع پی می‌بردند و موقعیت قرآن متزلزل می‌شد. اما چنین اتفاقی نیفتاده است؛ با این‌که در میان اهل ادب در زمان‌های گذشته تاکنون اهل ادیان دیگر بوده‌اند که می‌خواسته‌اند معجزه نبودن قرآن را ثابت کنند. همین‌که ما اکنون می‌بینیم اهل ادب، در

۱- مثلاً این که تمام کلمات متضاد در قرآن نظیر: بهشت، جهنم، یا ملائکه و شیاطین، یا ... به تعداد یکسان در کل قرآن کریم آمده‌اند یا ... برای مباحثی از این نوع، رجوع کنید به نوفل، اعجاز عددی قرآن کریم؛ ابوزهره نجدی، من الاعجاز البلاغی و العددي للقرآن الکریم.

مجموع، قرآن را کتابی اعجاز‌آمیز می‌بینند، دلیل بر عدم تحریف و معجزه بودن آن است.

۳- خطبه‌های نهج البلاغه درباره قرآن

خطبه‌های ۱، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۷۶ و ۱۸۳

۴- برخی اشعار درباره قرآن

مثنوی، دفتر سوم :

کفرها را در کشد چون ازدها

هست قرآن مرتو را همچون عصا

مثنوی، دفتر دوم :

ذرّه ذره حق و باطل را جدا

نورِ فرقان، فرق کردی بهر ما

هم سؤال و هم جواب از ما بدی

نورِ گوهر، نور چشم ما شدی

۵- تناسب معجزه با زمان : از امام رضا(ع) پرسیدند : چرا هر پیامبری نوعی از معجزات

داشته است؟ حضرت فرمودند : «در عصر موسی(ع)، سحر غالب بود و موسی(ع) عملی انجام داد که همه ساحران در برابر آن عاجز ماندند. در زمان مسیح و محیط دعوت او پزشکان مهارت فوق‌العاده‌ای در معالجه بیماران داشتند، عیسی با درمان بیماران لاعلاج، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به ثبوت رساند. و در عصر پیامبر اسلام(ص) غالب بر اهل زمان ادبیات (خطبه‌ها، کلام و شعر) بود و پیامبر(ص) از طرف خدا مواعظ و حکمت‌هایی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجت بر آن‌ها تمام شد^۱».

۶- نمونه‌ای از جاذبه و تأثیر قرآن بر مخاطبان : از مترجمان پرآوازه انگلیسی قرآن، پیکتال

PIKTHAL (م ۱۹۳۶م) است.^۲ این فرد سال‌ها در منطقه شرق اسلامی زندگی کرده و در حیدرآباد پاکستان، مستشار نظامی دولت انگلیس بوده است. او در یک تحول ناگهانی مسلمان می‌شود و آن‌چنان دل‌باخته می‌شود که تصمیم می‌گیرد در خدمت به قرآن تلاش کند.

پیکتال شرح ماجرای گرایش به قرآن و اسلام آوردن خود را در آغاز ترجمه انگلیسی، این چنین

شرح می‌دهد :

«من از سوی دولت انگلیس مأمور به خدمت در حیدرآباد بودم، در طبقه پایین ساختمانی که زندگی

۱- کافی، ج ۱، ص ۴ و ۵؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹.

۲- مجله بشارت، شماره ۱۵، ص ۴۴.

می‌کردم مسلمانی می‌زیست که هر روز صبح کلمات دلنشینی را با صدای حزین و بلند می‌خواند، این کلمات سحرآمیز آن چنان من را به هیجان می‌آورد و از خودبی‌خود می‌کرد که محو شنیدن آن می‌شدم. از مطالب آن چیزی نمی‌دانستم، اما حالت خاصی به من دست می‌داد و گاه سیل اشک از دیدگانم جاری می‌شد. کنجکاو شدم ببینم این کلمات با این آهنگ و لحن چیست. با پرس‌وجو دانستم که آیاتی از کتاب آسمانی است، اما افسوس که عربی نمی‌دانستم تا معانی آیات را بفهمم، همین انگیزه مرا واداشت تا عربی را بیاموزم. یاد گرفتن عربی و مطالعه قرآن، مرا با حقایق قرآن آشنا ساخت تا این که مسلمان شدم. جاذبه‌ای در سخن بود که موجی از لطافت روحی و معنوی را فراهم می‌کرد که در سخن بشری هرگز دیده نمی‌شد. در این میان، به ترجمه‌های انگلیسی مراجعه می‌کردم، اما هرگز آن لطافت، زیبایی و کشش معنا دیده نمی‌شد به این نتیجه رسیدم که کسی می‌تواند قرآن را ترجمه کند که به آن معتقد باشد، به این جهت به ترجمه قرآن روی آوردم.»

آری؛ این یکی از نمونه‌هایی است که از تأثیر عظیم و عمیق قرآن بر روح و روان انسان، که به‌طور ناگهانی اثری اعجازآمیز در دل‌ها می‌گذارد و قلب‌ها را منقلب می‌کند. این نمونه‌ای است از وجدان پاک که با شنیدن کلمات وحی، فرد را به دنبال خود می‌کشانند و چنان مجذوب خود می‌کند که دیگر رها کردن نیست و از او مسلمانی پاک‌باخته و تلاشگر در راه تعالی فرهنگ قرآن می‌سازد.^۱

۷- دیدگاه دانشمندان درباره قرآن

— روزه گارودی (نویسنده فرانسوی) Roger Garoudy

«پیام اساسی قرآن ... عبارت از آن است که در انسان آگاهی بسیار ژرفی درباره پیوندهایش با خدا، با انسان و جهان پدید آورد. این بینش جهانی همه ابعاد زندگی، در زمینه اسلام را از لحاظ هنر، دانش و کردار دربرمی‌گیرد.»

— دکتر یوهان ولفگانگ فون گوته

(ریاضی‌دان، شاعر و نویسنده، ۱۷۴۹-۱۸۳۲م) Goethe «عظمت احکام مقدس اسلام که قرآن مجموعه آن است، بهت و حیرت عجیبی در ما ایجاد نموده است.»

— ماهاتما گاندی (رهبر بزرگ هندوستان) Gandhi

«از راه آموختن دانش قرآن، هرکسی به اسرار روحی و حکمت‌های دین بدون داشتن خصوصیات مصنوعی نائل می‌شود.»

— چارلز فرانسیس (استاد امریکایی) Charls Francis

«انجیل کتابی است که در امریکا کسی آن را نمی‌شناسد اما قرآن کتابی است که هر مسلمانی با آن آشناست و این ادعا گزاف نیست.»

— پروفیسور هوستون اسمیت (استاد دانشگاه در امریکا) Houston Smith
«هیچ کتابی در جهان به قدر آن (قرآن) خوانده نمی‌شود. چه بسیار مردم که سراسر آن کتاب را به حافظه سپرده‌اند و تأثیرات آن در نفس خوانندگان از حدّ حساب خارج است ... عقیده و ایمان مسلمانان به کتاب الهی خود در اوج شدت است، چنان که هرگز مسیحیان در احترام به کتاب خود به پای ایشان نمی‌رسند.»

— توماس کارلایل (فیلسوف، مورخ و نویسنده اسکاتلندی) Thomas carlayle
«هنگامی که ما قرآن مجید را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم این کتاب علاوه بر آن که وحی آسمانی است، از نظر کلمات و ترکیب بلیغ‌ترین کتاب است.»

— فرانسوا ماری ولتر (فیلسوف و نویسنده بزرگ و مشهور فرانسوی) F.M. Voltair
«من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیر متدین ارائه دهند، او حتماً اولی را بخواهد گزید؛ زیرا کتاب محمد(ص) به طور آشکار افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است.»

— آر. اف. بودلی (خاورشناس و نویسنده سوئیسی) R.F. Boodli
«کتاب او — قرآن — روبه‌روی من است، از نظر اصیل و سالم ماندن از حوادث تاریخی بی‌نظیر است. کسی قدرت تشکیک در صحت و بقای آن به همان نحوی که نازل شده است را ندارد.»

— دکتر شبلی شُمیل (دانشمند بزرگ لبنانی) Shebly Shommyel
«پیامبر اسلام مدبر عالی و حکیم عالی مقام است. او خدای فصاحت و تمام کلمات او برجسته و برگزیده است. با بلاغت قرآن عقول بشر را متوجه خویش ساخت و آن‌ها را در برابر کتاب خویش از خود بی‌خود کرد.»^۱

ب) منابع

- ۱— آفتاب اندیشه، ج ۳، حسین سوزنجی، انتشارات مدرسه (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۲— قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، محمد مهدی علیقلی (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۳— قرآن و کتاب‌های دیگر، سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، انتشارات فراهانی (برای معلم و

۱— برگرفته از کتاب قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان.

دانش‌آموز)

۴- پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سیدمحمدباقر حجتی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی (برای

معلم و دانش‌آموز)

۵- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی (برای معلم)

۶- تفسیر نور، استاد قرائتی (برای معلم و دانش‌آموز)

۷- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی (برای معلم)

۸- قرآن و آخرین پیامبر، آیت‌الله مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه (برای معلم و دانش‌آموز)

۹- انجیل برنابا، نشر نیایش (برای معلم)

۱۰- تدوین قرآن، علی کورانی، مؤسسه فرهنگی طه (برای معلم)

۱۱- قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، جعفر رضایی فر (برای معلم و دانش‌آموز)

گستره رسالت پیامبر(ص)

قسمت اول : کلیات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی : توانایی تبیین قلمرو رسالت و دایره مسئولیت‌های پیامبر اکرم (ص)
- ۲- اهداف آموزشی :
 - تبیین قلمرو اول : دریافت وحی و رساندن آن به مردم
 - تبیین قلمرو دوم : مرجعیت دینی
 - تبیین قلمرو سوم : ولایت ظاهری
 - تبیین ولایت معنوی پیامبر اکرم (ص)
 - تدبر در آیات و استخراج پیام‌های مرتبط با موضوع

ب) پیش‌دانسته‌ها

- ۱- وحی الهی : این کلمه معنایی عام دارد و برای هدایت همه موجودات به کار می‌رود. قرآن کریم از وحی الهی برای آسمان‌ها، حیوان‌ها و انسان‌هایی که پیامبر نبوده‌اند؛ مانند مادر حضرت موسی، یاد کرده است.
- وحی معنای خاصی نیز دارد که مخصوص پیامبران است. خداوند از طریق وحی، برنامه هدایت انسان‌ها را به پیامبران می‌دهد و آن‌ها را مأمور هدایت مردم می‌گرداند.
- ۲- کاتبان وحی : کسانی که در زمان پیامبر اکرم (ص) مأمور نوشتن آیات قرآن بودند.
- ۳- حافظان وحی : کسانی که در زمان پیامبر اکرم (ص) پس از نزول آیات، آن‌ها را حفظ می‌کردند.

ج) اصطلاحات علمی درس

- ۱- مرجعیت دینی : کسی که توانایی تبیین و تفسیر آیات قرآن کریم و معارف دینی را دارد و می تواند احکام الهی را برای مردم بیان کند، دارای «مرجعیت دینی» است.
- ۲- ولایت ظاهری : سرپرستی و اداره و رهبری جامعه اسلامی براساس قوانین اسلامی برای برقراری عدل و قسط در جامعه و تنظیم روابط مسلمانان بر مبنای قوانین دین.
- ۳- طاغوت : کسی که به مردم فرمان می دهد و بر مردم حکومت می کند، درحالی که خدا وی را تعیین نکرده و فرمان و حکومتش نشأت گرفته از دستور الهی نیست، طاغوت نامیده می شود.
- ۴- ولایت معنوی : توانایی تصرف و سرپرستی باطنی و تکوینی موجودات و انسان ها به میزان کمال معنوی و وجودی. این ولایت که به علت طی مدارج کمال و عبور از عالم طبیعت و حضور در عوالم برتر است، خود مراتبی دارد که بالاترین مرتبه آن مربوط به پیامبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه (س) و ائمه اطهار (ع) است. آنان به اذن خداوند و منطبق بر خواست و اراده او و در چارچوب ضوابط و سنت هایی که خداوند بر جهان حاکم کرده، در عالم تصرف می کنند.

د) ارتباط با درس قبل

این درس در مرتبه اول با درس سوم ارتباط دارد. در درس دوم درباره ارسال پیامبران و ختم پیامبری به پیامبر اکرم (ص) صحبت شد. در درس سوم درباره سند پیامبری و معجزه ایشان بحث شد و در این درس، به مسئولیت ها و قلمرو رسالت آن بزرگوار خواهیم پرداخت و ابعاد این رسالت را تبیین می نماییم.

ه) محورهای اصلی درس

- قلمرو رسالت پیامبران برای هدایت انسان ها، در سه قلمرو عمده دسته بندی می شود :
- الف) قلمرو اول، رسالت پیامبران دریافت وحی و رساندن آن به مردم است.
- ب) قلمرو دوم، رسالت تعلیم و تبیین تعالیم دین و مرجعیت علمی است.
- ج) قلمرو سوم، رسالت ولایت و سرپرستی جامعه برای اجرای قوانین الهی است.

قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای کلاس، مطابق با موارد تعیین شده در روش تدریس درس قبل، از آن درس ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

محور اصلی آماده‌سازی باید به‌جهتی باشد که دانش‌آموزان توجه کنند که کدام کارها مربوط به رسالت و هدایت است و کدام کارها به حوزه رسالت و هدایت مربوط نیست. به همین جهت می‌توان انسان‌های بزرگی را انتخاب کرد و فعالیت‌های آنان یا کارهای بزرگی را که انجام داده‌اند، شرح داد و در پایان این سؤال را مطرح کرد که مسئولیت‌ها و کارهای اصلی پیامبر اسلام (ص) یا قلمرو رسالت ایشان چه بود؟ در انتخاب شخصیت‌های بزرگ، بهتر است افرادی با تخصص‌های مختلف انتخاب شوند، مانند: پزشکان، طبیعی‌دانان، ریاضی‌دانان و فیلسوفان، پادشاهان و حاکمان بزرگ، سرداران، مبارزان و مصلحان. ابعاد کار این گونه افراد را می‌توان در جدولی تنظیم کرد و ارائه داد. تعیین حوزه کار این افراد کمک می‌کند که دانش‌آموزان به اهمیت رسالت پیامبران و نقش آنان در سرنوشت بشر بهتر پی ببرند.

ج) انتخاب روش تدریس

دبیر، با توجه به نوع درس و شرایط کلاس، یک یا چند روش پیشنهادی از روش‌های تدریس را انتخاب می‌کند.

د) اجرای تدریس

روش انتخاب شده برای تدریس، باید شامل این اجزا باشد:

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	انجام فعالیت پیام آیات
۳	تبیین قلمرو اول رسالت و استخراج آیه مربوط به آن
۴	تبیین قلمرو دوم رسالت و استخراج آیه مربوط به آن
۵	تبیین دلایل قلمرو سوم و استخراج آیات مربوط به آنها
۶	انجام فعالیت کشف رابطه
۷	تبیین ولایت معنوی پیامبر اکرم (ص)
۸	توضیح بخش‌های «برای مطالعه»

۱- قرائت و ترجمه آیات

آیات این درس، به شیوه درس‌های گذشته قرائت می‌شود و ترجمه‌ها تکمیل می‌گردد.

۲- انجام فعالیت پیام آیات

دانش آموزان، در آیات ابتدای درس تفکر می‌کنند و جملات مربوط به فعالیت را تکمیل می‌نمایند و آیات مربوط به هر جمله را مشخص می‌سازند.

– مطابق با آیه ۱۶۴ آل عمران، یکی از وظایف پیامبر اکرم (ص) خواندن آیات قرآن برای مردم است.

– مطابق با همین آیه، یکی دیگر از وظایف پیامبر اکرم (ص)، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت می‌باشد.

البته توجه شود که تزکیه، مانند تعلیم کتاب و خواندن آیات، یک عمل و وظیفه مشخص نیست. بلکه این وظیفه، نتیجه مجموعه وظایفی است که پیامبر انجام می‌دهد و لذا به عنوان یک قلمرو خاص که پیامبر در این قلمرو کار خاصی را انجام دهد، مطرح نیست.

– مطابق با آیه ۳۲ آل عمران، هر انسانی وظیفه دارد از خدا و رسول او اطاعت کند.

– مطابق با آیه ۲۵۷ سوره بقره، آن کس می‌تواند از تاریکی به نور آید که ولایت الهی را

بپذیرد.

— مطابق با آیه ۲۵۷ سوره بقره، اگر کسی ولایت و سرپرستی خداوند را نپذیرد و به ولایت طاغوت درآید، نتیجه‌اش گرفتار شدن در آتش جهنم خواهد بود.

توجه: در این پیام نیاز به توضیح است تا دانش‌آموز دریابد که علت این عذاب الهی چیست. کسی که ولایت خداوند را نپذیرد، از قانون الهی که عامل کمال و شکوفایی استعدادی اوست بهره‌مند نمی‌شود و به خودش زیان وارد می‌کند. این زیان به معنای ظلم به خود و ظلم به دیگران است که نتیجه‌اش عذاب الهی است.

— مطابق با آیه ۱۴۷ سوره نساء، مسلمانان نباید سلطه بیگانگان را بپذیرند.

— مطابق با آیه ۶۰ سوره نساء، مسلمانان نباید برای داوری به طاغوت و حکومت غیرالهی مراجعه کنند.

— مطابق با آیه ۲۵ سوره حدید، مسلمانان وظیفه دارند جامعه‌ای براساس عدل بناکنند.

۳— تبیین قلمرو اوّل رسالت

در این مرحله، قلمرو اوّل رسالت که دریافت وحی و وساندن آن به مردم است، تبیین می‌شود. این قلمرو، حقیقت نبوت و محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد و شامل دو مرحله است: مرحله اوّل، دریافت وحی است و مرحله دوم، ابلاغ آن به مردم.

پس از تبیین این قلمرو، دانش‌آموزان آیه مربوط به این قلمرو، یا شماره پیام مربوط به آن را تعیین می‌کنند. همان‌طور که در فعالیت آمد، پیام اوّل و آیه ۱۶۴ سوره بقره مربوط به این قلمرو است.

۴— تبیین قلمرو دوم رسالت

قلمرو دوم تعلیم و تبیین تعالیم دین است که پس از ابلاغ آیات الهی پیش می‌آید.

پیامبر اکرم (ص) با برخورداری از علم لدنی (علم موهبتی الهی)، به تبیین و تفسیر قرآن کریم و بیان جزئیات احکام الهی می‌پرداختند و سؤال‌های گوناگون مردم را پاسخ می‌دادند. مردم نیز برای سؤال‌ها و ابهام‌های خود به رسول خدا (ص) مراجعه می‌کردند و با استفاده از «قول»، «فعل» و «تقریر» ایشان سؤال‌ها و ابهام‌های خود را رفع می‌کردند. «قول»؛ همان گفتارهای پیامبر اکرم (ص) است که درباره موضوعات مختلف می‌باشد. «فعل»؛ کارهای پیامبر در رابطه با احکام است، مانند: وضو گرفتن و نماز خواندن ایشان. «تقریر» هم تأییدات ایشان نسبت به کار دیگران است؛ به‌طور مثال، اگر کسی پیش روی پیامبر اکرم (ص) وضو می‌گرفت و آن حضرت آن را تأیید می‌فرمود، همین تأیید، برای دیگران این مجوز را صادر می‌کرد که مانند آن انجام دهند.

پس از تبیین این قلمرو، دانش‌آموزان آیه مربوط به این قلمرو یا شماره پیام مربوط به آن را تعیین

می‌کنند. پیام دوم و آیه ۱۶۴ سورة بقره مربوط به این قلمرو است.

۵- تبیین دلایل قلمرو سوم

این قلمرو که همان رهبری جامعه و حکومت اسلامی برای اجرای قوانین الهی است، نیازمند توضیح بیشتر و دقیق‌تر است.

همان‌طور که می‌دانید، در برخی کتاب‌ها، حکومت اسلامی و ضرورت آن در جایی مطرح می‌شود که با بحث ولایت فقیه در عصر غیبت و نظام جمهوری اسلامی ارتباط برقرار کند و به تبیین آن کمک نماید. اما در این جا، از همان ابتدا و در تبیین قلمروهای رسالت، زندگی پیامبر اکرم (ص) را بررسی کردیم و توضیح دادیم که ایشان علاوه بر تبلیغ معارف و احکام الهی، خود منصب حکومت را هم در اختیار داشت و به اجرای احکام الهی می‌پرداخت و امر و نهی می‌کرد.

این شیوه ورود سبب می‌شود که موضوع ولایت و رهبری در فلسفه نبوت و رسالت، جای خود را باز کند و جزء ارکان رسالت و درحقیقت از ارکان دین تلقی شود که اگر در جایی تحقق نیافت، سؤال از عدم تحقق آن شود و چرایی آن جست‌وجو گردد. در قسمت دانستنی‌های معلم، توضیحات بیشتری در این باره داده خواهد شد.

اثبات ضرورت ولایت و رهبری، به‌عنوان بخشی از قلمرو رسالت، در این درس زمینه را فراهم می‌کند که تداوم آن در عصر امامت و در عصر غیبت امری طبیعی و بلکه ضروری تلقی شود و اگر کسی بخواهد آن را انکار کند، برای انکار خود باید دلیل بیاورد.

بنابراین، دبیر محترم پس از طرح قلمرو سوم رسالت، این سؤال را طرح می‌کند که چرا ولایت و رهبری از ارکان دین اسلام و یکی از قلمروهای رسالت محسوب می‌شود، آن‌گاه به تبیین دلایل می‌پردازد. دلیل اول که با عنوان «جامعیت دین اسلام» طرح شده، بر این محور است که چون اسلام یک دین جامع است و همه ابعاد زندگی انسان را دربر می‌گیرد، نمی‌تواند خالی از برنامه‌ای برای حکومت و نظام سیاسی جامعه باشد؛ که اگر چنین باشد، جامعیت آن مخدوش خواهد شد. امام خمینی رحمه الله علیه بر این دلیل تأکید فراوان داشت که آسان‌ترین و در عین حال دلیلی محکم بر ضرورت حکومت اسلامی محسوب می‌گردد.

دلیل دوم بر وجود احکام اجتماعی تأکید می‌کند. چون اسلام دارای احکام اجتماعی فراوانی است و این احکام اجتماعی، بدون وجود حکومت قابل اجرا نیست، تشکیل حکومت برای اجرای احکام دین ضرورت دارد. آیه ۲۵ سورة حدید بیانگر این اصل است که در پیام شماره ۸ آمده است. دلیل سوم به منشأ ولایت و سرپرستی از یک طرف و به ملاک و مناط پیروی و تبعیت از طرف

دیگر برمی گردد.

مؤمنان و مسلمانان مجاز به پذیرش ولایت و سرپرستی چه کسی هستند؟ و از چه کسی اجازه دارند اطاعت کنند؟

قرآن کریم به ما می آموزد که سرپرست و ولی حقیقی انسان خداست. انسان مؤمن نیز که این حقیقت را دریافته، ولایت خدا را می پذیرد و خود را زیر سایه ولایت خدا قرار می دهد. قرآن کریم می فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا	خداوند سرپرست مؤمنان است
يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ	که آن ها را از تاریکی ها به نور درآورد
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ	و کافران اولیایشان طاغوت هاند
يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ	که آن ها را از نور به تاریکی درآورد
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ	آنان یاران آتش اند
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	و هم آنان در آن جاوید خواهند بود.

(بقره، ۲۵۷)

اگر کسی سرپرستی و ولایت خدا را بپذیرد، از ظلمت ها به نور در می آید و مسیر هدایت را طی می کند. درحالی که اگر سرپرستی خدا را نپذیرد، زیر بار طاغوت رفته و در نتیجه از نور و هدایت به سمت ظلمت و گمراهی می رود.

لازمه پذیرش ولایت الهی، قبول فرامین و قوانین او و پذیرش فرمان کسی است که خداوند معرفی کرده است. اگر کسی حاکمیت مردم را به عهده بگیرد که از طرف خداوند اجازه این کار را ندارد، طاغوت محسوب می شود و حکومتش ظالمانه و غاصبانه است.

آیات ۳۲ آل عمران و ۲۵۷ سوره بقره و ۶۰ سوره نساء بیانگر این دلیل است که در پیام های ۳ و ۴ و ۵ و ۷ آمده است.

دلیل چهارم، حفظ استقلال جامعه اسلام در برابر کفار است. این دلیل که به عنوان «قاعده نفی سبیل» مشهور شده، وقتی امکان پذیر است که حکومت اسلامی تشکیل شود و ابزار و امکانات استقلال را فراهم کند و مانع سلطه کفار بر مسلمانان شود. آیه ۱۴۷ سوره نساء، بیانگر این دلیل است که در پیام شماره ۶ آمده است.

۶- انجام فعالیت کشف رابطه

در این فعالیت، دانش آموزان به صورت فردی یا گروهی روی جملات امام خمینی (ره) فکر

می‌کنند تا معلوم کنند هر بخش از جملات امام؛ بیانگر کدام دلیل است. در این فعالیت، چهار بخش از سخنان امام انتخاب شده است.

بخش اول سخنان امام با دلیل «ج»، یعنی ضرورت پذیرش ولایت الهی ارتباط دارد.

بخش دوم سخنان امام با دلیل «الف»، یعنی جامعیت اسلام ارتباط دارد.

بخش سوم سخنان امام با دلیل «ب»، یعنی ضرورت اجرای احکام اسلامی ارتباط دارد.

بخش چهارم سخنان امام نیز با دلیل «ب» ارتباط دارد.

توجه: همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، استفاده از سخنان امام خمینی «ره» به‌گونه‌ای در درس استفاده شده که برای دانش‌آموزان شیرین و جذاب باشد و آنان را به حفظ عبارات های زیاد و ملال‌آور وادار نکند. در همین جا یادآوری می‌کنیم که نباید دانش‌آموزان را به حفظ این عبارات‌ها واداشت. نباید از آن‌ها خواست که مثلاً جملات امام خمینی دربارهٔ دلیل اول یا دوم را بیان کنند بلکه باید عبارات‌هایی از امام خمینی در سؤال آورده شود و با توجه به آن عبارات‌ها سؤال‌هایی طرح شود.

۷- تبیین ولایت معنوی پیامبر اکرم (ص)

این قلمرو که سطح عالی رسالت پیامبر اکرم (ص) است، باید توسط دبیر به‌خوبی تبیین شود تا مطلب به‌درستی تفهیم شود.

برای این که ابعاد این موضوع روشن شود، توضیحاتی در بخش «دانستنی‌های ضروری دبیر» خواهد آمد.

۸- توضیح بخش‌های «برای مطالعه»

«برای مطالعه‌ها»ی این درس، نمونه‌هایی از آثار ولایت معنوی است که در قرآن یا روایات بیان شده است. ذکر این نمونه‌ها، ولایت معنوی را ملموس‌تر و درک آن را آسان‌تر می‌سازد.

هـ) انجام بخش اندیشه و تحقیق

سؤال اول دربارهٔ آیهٔ ۱۵ سورهٔ شوری است. در این آیه عبارت «و امرت لأَعْلَلَ بَیْنَكُمْ» بیانگر آن است که پیامبر اکرم آمده تا عدل را در جامعه اجرا کند و انجام این وظیفه بدون تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست.

در سؤال دوم از دانش‌آموزان خواسته شده که برخی از احکام اجتماعی اسلام را که اجرای آن‌ها نیازمند تشکیل حکومت است بیان کنند؛ مانند قوانین قضایی اسلام (احکام جزا، دیات و قصاص)، خمس و زکات، جهاد و تنظیم رابطه با کفار و بیگانگان.

در پاسخ به سؤال سوم، دانش‌آموزان باید توضیح دهند که پیامبر اکرم (ص) از حیث مرجعیت دینی، معارف الهی را برای مردم بیان می‌کرد. احکام اسلام را توضیح می‌داد و عملاً به مردم می‌آموخت. مثلاً خودش نماز را به‌جا می‌آورد و به مردم می‌فرمود «به همین صورت که من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.»

و) انجام پیشنهادها

دو پیشنهادی که در این جا مطرح شده، در مرتبهٔ اول برای تقویت رابطهٔ عاطفی میان دانش‌آموزان و پیامبر اکرم (ص) است. در این دو پیشنهاد، نیازی به مراجعه به کتاب‌های مختلف نیست و دانش‌آموزان می‌توانند با اطلاعاتی که دارند، این دو پیشنهاد را انجام دهند. خوب است دانش‌آموزان خوش‌ذوق و هنرمند کلاس را برای انجام آن‌ها تشویق کنیم.

ز) ارزشیابی از میزان یادگیری

موارد زیر برای ارزشیابی این درس پیشنهاد می‌شود.

- ۱- قرائت آیات و ترجمهٔ عبارت‌های خواسته شده
- ۲- انجام فعالیت پیام آیات
- ۳- تبیین قلمروهای رسالت پیامبر
- ۴- تعیین آیات و پیام‌های مربوط به هر قلمرو
- ۵- تبیین حدیث امام باقر (ع) دربارهٔ ولایت
- ۶- ذکر دلایل ضرورت حکومت اسلامی
- ۷- تعیین آیات و پیام‌های مربوط به این دلایل
- ۸- انجام فعالیت کشف رابطه
- ۹- توضیح ولایت معنوی
- ۱۰- پاسخ به سؤال‌های اندیشه و تحقیق
- ۱۱- انجام پیشنهادها و توضیح بخش‌های برای مطالعه برای نمرهٔ تشویقی
- ۱۲- مشارکت و همکاری در انجام فعالیت‌ها و حضور مؤثر در کلاس

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- درباره قلمرو سوم از رسالت پیامبر اسلام (ص) (ولایت ظاهری)

بیشتر فلاسفه دین و متکلمان جدید اروپایی معتقدند که رسالت پیامبران ارتباطی اولاً بالذات با زندگی دنیایی ندارد و دین آمده تا سعادت اخروی آنان را تأمین کند.

با بیانی دیگر می‌گویند که دین متکفل روابط اجتماعی انسان‌ها نیست بلکه به‌منظور تأمین رابطه فردی انسان با خدا وضع شده است و درباره جامعه و روابط اجتماعی تا آن‌جا سخن رفته که به روابط اخلاقی و اخلاق مردم مربوط می‌شود.

به بیانی دیگر می‌گویند: دین آمده تا بُعد معنوی و قدسی انسان را تأمین کند و ارتباط او را با آن بُعد معنوی تقویت کند و متکفل اموری جز این نیست.

به بیانی دیگر می‌گویند: دین از زندگی سیاسی مردم جداست. سیاست که متکفل روابط انسان‌ها با یکدیگر است و در شکل حکومت جلوه می‌کند، مربوط به زندگی دینی نیست. در فلسفه نبوت جایی برای تشکیل حکومت نیست.

برخی از نویسندگان ایرانی معاصر نیز این نظریه را پذیرفته و برای آن دلایلی اقامه کرده‌اند. نتیجه این نگرش، همان اندیشه سکولاریسم (دنیوی‌گری) است که پایه تمدن جدید غرب است و دخالت دین در حوزه امور دنیایی را ناپسند می‌شمارد و این دخالت را دون شأن دین یا فراتر از شأن آن تلقی می‌کند؛ دینداران غربی آن را دون شأن دین و ماتریالیست‌ها فراتر از شأن دین می‌دانند.

یکی از آیاتی که ما در این درس برای حکومت اسلامی استفاده کردیم، آیه ۲۵ سوره حدید بود. مرحوم بازرگان درباره این آیه می‌گوید «منظور آیه، آن‌طور که بعضی‌ها تصور و تبلیغ کرده‌اند، این نیست که مردم و دیگران را برای مبارزه با ظلم و استکبار یا بسط عدالت و دیانت در دنیا، بسیج نمایند. بلکه خود مردم در اخلاق و رفتارشان عامل به عدالت و قسط باشند.»^۱

ایشان توجه نکرده است که کسانی که بر این آیه استشهاد می‌کنند، نمی‌گویند که مردم در رفتار خود عامل به عدالت و قسط نباشند یا پیامبران به زور مردم را به عدالت وادارند. آنان می‌گویند

۱- آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا، مهندس بازرگان، ص ۷۳

لازمه برقراری قسط تشکیل حکومت است و بدون نظام و حکومت، عدل و قسط اسلامی محقق نمی‌شود.

اتفاقاً قرآن کریم در یک آیه از قول پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید من مأمورم که عدل را بین شما حاکم گردانم. یعنی پیامبر اکرم (ص)، خودش مأمور اجرای عدل می‌شود. در آیه ۱۵ سوره شوری می‌خوانیم که «... وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (به من امر شده که عدل را میان شما برقرار کنم).

استاد شهید مطهری در کتاب وحی و نبوت، از مجموعه مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی می‌فرماید که پیامبران دو هدف داشته‌اند: یکی هدف اصلی و غایی و دیگری هدف مرحله‌ای و مقدمه‌ای. هدف اصلی و غایی پیامبران، دعوت مردم به ایمان به خدا و توحید و یکتاپرستی است و هدف مرحله‌ای و مقدمه‌ای آنان، دعوت مردم به قسط و عدل می‌باشد. در هر دو مورد، این مردم هستند که باید ایمان بیاورند و یا قسط را برقرار کنند و همان‌طور که چون مردم باید به خدا ایمان آورند، سبب نمی‌شود که جزء هدف رسالت انبیاء نباشد، برپاداشتن قسط به وسیله مردم هم سبب نمی‌شود که آن را از هدف انبیاء خارج کند.

۲- درباره ولایت معنوی

عالم خلقت تنها همین عالم طبیعت که ما در آن زندگی می‌کنیم نیست. عالم خلقت مراتبی دارد که پایین‌ترین مرتبه آن، عالم طبیعت است. با شناختی که انسان از عوالم و مراتب خلقت به دست آورده، مراتب عالم را در سه مرتبه کلی خلاصه کرده است و خداوند خالق این سه مرتبه هستی است.^۱ عالم عقل را اصطلاحاً عالم جبروت و عالم مثال را اصطلاحاً عالم ملکوت می‌گویند. هر عالمی بر عالم پایین خود احاطه دارد و فاعل حوادثی است که در عالم پایین اتفاق می‌افتد. همچنین عالم بالاتر برخی نواقص و ضعف‌های عالم پایین‌تر را ندارد و از سعه بیشتری برخوردار است؛ مثلاً، اگر موجودات در عالم طبیعت محصور در زمان و مکان‌اند، در عالم بالاتر این محدودیت وجود ندارد. آن‌گونه که مفسران گفته‌اند: عالم فرشتگان، همان عالم عقل است. یا می‌توان گفت برخی از فرشتگان مربوط به عالم عقل‌اند و برخی مربوط به عالم مثال.

خداوند وجود انسان را طوری آفریده که در مسیر کمال خود می‌تواند مراتب عالم خلقت را طی کند و به بالاترین حد کمال در قرب الهی نائل آید؛ یعنی از عالم مثال بگذرد، عالم عقل را نیز طی کند و از فرشتگان بالاتر قرار گیرد. مولوی این طی مراتب را چنین بیان می‌کند:

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵ ص ۱۹۹

وزنما مُردم به حیوان سرزدم	از جمادی مُردم و نامی شدم
پس چه ترسم کی ز مُردن کم شدم	مُردم از حیوانی و آدم شدم
تا برآرم از ملایک بال و پر	حملة دیگر بمیرم از بشر
کل شیء هالک الا وجهه	وز ملک هم باید جستن ز جو
آنچه اندر و هم ناید آن شوم	بار دیگر از ملک قربان شوم

در واقع، موجودات هر عالمی واسطه فیض به عالم پایین‌ترند و بر عالم پایین‌تر ولایت دارند؛ یعنی در عالم پایین‌تر تصرف می‌کنند و آن را اداره می‌کنند؛ مثلاً، ملائکه که مربوط به عوالم بالاتر هستند، موکل و مدبر امر عالم طبیعت‌اند^۱. میکائیل، مدبر و موکل رزق و روزی موجودات است، عزرائیل، مدبر و موکل مرگ موجودات است و جبرئیل، آورنده وحی به پیامبران و واسطه علم است.

پیامبر اکرم (ص) با عنایت الهی همه مراتب خلقت را طی کرده و از ملائکه مقرب هم بالاتر رفته و در مرتبه‌ای قرار گرفته که جبرئیل هم در شب معراج از ادامه همراهی با او بازماند؛ یعنی پیامبر اکرم (ص) به مرتبه‌ای در عالم خلقت رسیده است که هیچ مخلوق دیگری در آن مقام قرار نمی‌گیرد؛ یعنی واسطه میان خداوند و کل عالم خلقت است. این مقام، یک مقام تشریفاتی و تجملاتی نیست بلکه یک مقام واقعی و حقیقی و وجودی است؛ یعنی تمام آثار خارجی و حقیقی این مقام را دارد و چون هر مرتبه بالاتر در عالم خلقت ولایت بر مرتبه پایین دارد و تدبیر امور مرتبه پایین را با اذن خداوند انجام می‌دهد، پیامبر اکرم (ص) که در بالاترین مرتبه خلقت است، بر همه مخلوقات پایین‌تر و بر کل عالم طبیعت ولایت دارد؛ یعنی واسطه فیض خداوند به همه مخلوقات، اعم از فرشتگان و موجودات طبیعی است. به عبارت دیگر، پیامبر اکرم (ص) تجلی اسمای الهی در عالم خلقت است؛ یعنی ایشان صاحب علم، قدرت، رحمت و سایر اسمای الهی است. و این همان مقام خلافت الهی است که بالاترین مرتبه خلافت الهی را پیامبر اکرم (ص) در اختیار دارد.

این همان ولایت معنوی است که رسول خدا (ص) بالاترین مرتبه آن را واجد است.

بنابر معارف شیعه و روایات ذکرشده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، حضرت فاطمه زهرا (س) و دوازده امام معصوم سلام الله علیهم، بعد از پیامبر اکرم (ص) قرار دارند و در عالم خلقت، هیچ مخلوقی در عرض آنها نیست. در حقیقت، این چهارده معصوم، نور واحدند و بر کل عالم هستی به اذن الهی ولایت دارند و به فرمان خداوند واسطه فیض به مخلوقات هستند.^۲

۱- سورة نازعات، ۵: فالمدبرات امرًا.

۲- در زیارت جامعه کبیره اوصاف زیر را درباره ائمه مشاهده می‌کنیم: مساکن برکة الله، معادن حکمة الله، حفظة سرائله، ایاب الخلق الیکم، و حسابهم علیکم، آیات الله لدیکم، بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یسک السماء...

یکی از تجلیات این ولایت معنوی، هدایت باطنی انسان‌های مستعد و لایق و دستگیری آن‌ها برای طی مراتب کمال و رساندن به مقام قرب الهی است. این همان هدایتی است که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با استناد به آیات قرآنی آن را «هدایت به امر» نامیده و فرموده که امامت در بیان قرآن کریم مربوط به این هدایت است.^۱ البته بهره‌ای از این هدایت باطنی به میزان لیاقت و ظرفیت افراد، به دیگران نیز می‌رسد که مراتب ابتدایی آن در شکل‌هایی چون رؤیاهای صادق ظاهر می‌شوند.

ولایت معنوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار منشأ ولایت تکوینی آن‌هاست. آنان با اجازه خدا در عالم طبیعت تصرف می‌کنند و انواع کرامات و معجزاتی که از امامان دیده شده و موارد فراوان آن در مدارک اصیل و معتبر درج گردیده است، ناشی از همین قدرت ماورای طبیعی آن‌هاست.

امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه سخنانی خطاب به مردم قدرناشناس کوفه بیان فرموده که هم نشان‌دهنده تربیت معنوی رسول خدا (ص) و هم ولایت معنوی آن بزرگوار و هم تربیت خاص امیرالمؤمنین توسط رسول خدا و هم ولایت معنوی آن حضرت است. آن چه در خطبه قاصعه (خطبه ۱۹۲) آمده، چنین است:

«شما می‌دانید مرا نزد رسول خدا (ص) چه جایگاهی است، و خویشاوندیم با او چگونه است. آن‌گاه که کودک بودم، مرا در کنار خود می‌نشاند و بر سینه خود جایم می‌داد، در کنار خود می‌خواباند به طوری که تنم را به تن خود می‌سایید و بوی خوش خود را به من می‌پویانید. گاه می‌شد که چیزی را نرم می‌کرد و در دهانم می‌نهاد. از من دروغی در گفتار نشنید و خطایی در کار ندید.

از هنگامی که آن بزرگوار از شیر گرفته شد، خداوند بزرگ‌ترین فرشته از فرشتگانش را شب و روز همنشین او فرمود تا راه‌های بزرگواری را پیمود و خصلت‌های نیکو را به دست آورد.

من نیز همواره به دنبال او بودم و از ایشان جدا نمی‌شدم، مانند بچه شتری که در پی مادرش روان است. او هم هر روز برای من نشانه‌ای از اخلاق نیک خود قرار می‌داد و مرا به پیروی از آن فرامی‌خواند. هر سال که در غار حرا، خلوت می‌گزید و به عبادت می‌پرداخت، فقط من او را می‌دیدم و کسی جز من او را نمی‌دید. در آن هنگام که جز در خانه رسول خدا (ص) و خدیجه، اسلام وارد نشده بود، من در کنار آن‌ها، در آن خانه، سومین آن‌ها بودم. روشنایی وحی و پیامبری را می‌دیدم و بوی نبوت را حس می‌کردم.

هنگامی که وحی بر پیامبر خدا فروآمد، آوای اندوهگین شیطان را شنیدم. گفتم: ای رسول خدا، این آوا چیست؟ گفت این آوای شیطان است که از آن که او را نپرستند، نومید و نگران شده است.

۱- ذیل آیات ۷۳ سورة انبیاء و ۲۲ سورة سجده و ۱۲۴ سورة بقره

همانا تو می شنوی آن چه را من می شنوم و می بینی آن چه را من می بینم، جز این که تو پیامبر نیستی و وزیر من هستی و همواره راه خیر و درست را می روی.

و من با او بودم، هنگامی که سران قریش نزد وی آمدند و گفتند: ای محمد! تو ادعای بزرگی کرده ای که نه پدران و نه کسی از خاندان چنین ادعایی نداشت. ما از تو کاری می خواهیم که اگر آن را انجام دهی، می دانیم تو پیامبر هستی و گرنه می دانیم که تو دروغگو و جادوگر هستی. فرمود: چه کاری؟ گفتند: این درخت را بخوان تا با تمام رگ و ریشه نزد تو آید. فرمود: خدا بر هر چیز تواناست. اگر خدا برای شما چنین کرد، ایمان می آورید و به حق گواهی می دهید؟ گفتند: آری. فرمود: «من آن چه را شما می خواهید، انجام می دهم. اما می دانم که شما به راه خیر باز نمی گردید...» سپس فرمود: ای درخت اگر به خدا و روز رستاخیز گرویده ای و می دانی من فرستاده خدا هستم، به فرمان خدای بزرگ با رگ و ریشه از جای برای و پیش روی من در آی^۱.

به خداوندی که او را براستی به پیامبری برانگیخت، سوگند که درخت از ریشه از جاکنده شد و به سرعت، مانند پرزدن پرندگان و با صدایی سخت پیش روی رسول خدا (ص) آمد و شاخه بالاتر خود را بر سر رسول خدا (ص) گسترد و یکی از شاخه هایش را بر دوش من آورد، در حالی که من در طرف راست پیامبر خدا (ص) بودم،

اما کفار با این که این معجزه را دیدند، از روی برتری جویی و گردنکشی گفتند: بگو تا نیم آن نزد تو آید و نیم دیگر بر جای بماند.

پس او درخت را فرمان داد. با این فرمان، نیمی از درخت به سوی ایشان آمد، با صدایی سخت تر از قبل و آمدنی شگفت انگیز، به طوری که نزدیک بود گرد پیامبر بیچد.

دوباره آنان از روی ناسپاسی و گردنکشی گفتند: «دستور بده تا این نیم درخت نزد نیم دیگر رود و در جای خود قرار بگیرد.»

ایشان نیز چنین کرد.

و من گفتم: «لا اله الا الله، ای فرستاده خدا! من نخستین کسی هستم که به تو گروید و نخستین کسی هستم که اقرار کرد که درخت آن چه را تو از او خواستی، به فرمان خدا به جا آورد، تا پیامبری تو را گواهی دهد و سخن تو را بزرگ بدارد.»

۱- خداوند در آیات متعددی فرموده که تمام موجودات در حال حمد و تسبیح خدا هستند و ما نمی توانیم درک کنیم. پیامبر اکرم که به مقام ولایت معنوی رسیده، هم می تواند این حمد و تسبیح را درک کند و هم می تواند به اذن خداوند با درخت سخن بگوید و به درخت فرمان دهد. همان طور که قرآن کریم این توانایی را برای حضرت عیسی و حضرت موسی و سایر پیامبران ذکر می کند.

اما آن کافران گفتند: «نه، او ساحری دروغگو و جادوگری شگفت است و در کار خود وارد است. سپس روبه او کردند و گفتند: «آیا جز این [علی(ع)] کس تو را راستگو می‌داند؟» اما من از آنانی هستم که در راه خدا از سرزنش ملامت‌کنندگان و مسخره‌کنندگان از حمایت حق باز نمی‌ایستند. چهره آنان چهره راست‌کرداران و گفتارشان گفتار نیکوکاران است. در شب، اهل عبادت و شب‌زنده‌داری‌اند و در روز، به هدایت و راهنمایی مردم می‌پردازند. آنان به ریسمان قرآن چنگ زده‌اند و سنت خدا و فرستاده او را زنده کرده‌اند. نه بزرگی می‌فروشدند و نه اهل برتری‌جویی‌اند. نه خیانتی در کار خود دارند و نه به تباهی می‌پردازند. دل‌هایشان در بهشت برین و تن‌هایشان به کار و عبادت مشغول است.»

نمونه دیگری از ولایت معنوی امیرالمؤمنین را می‌توانیم در خطبه ۱۷۵ مشاهده کنیم. ایشان در این خطبه می‌فرماید:

«به خدا قسم اگر بخواهم می‌توانم هریک از شما را خبر دهم که از کجا آمده و به کجا می‌رود و امورش چگونه خواهد بود. ولی از آن می‌ترسم که به رسول خدا کافر شوید. بدانید که من این رازها را به یاران خاص خود که از خطر غلو و کفر در امانند می‌سیارم. سوگند به خدایی که پیامبر را به حق برانگیخت، و او را بر تمام آفریده‌ها برگزید، جز راست نمی‌گویم. پیامبر همه این امور را برایم گفته بود، که چه کسی هلاک می‌شود، چه کسی نجات می‌یابد و سرانجام حکومت چه خواهد شد. پیامبر خبر هرچه را بر من خواهد گذشت، در گوشم خواند و مرا بدان آگاه کرد.»

امیرالمؤمنین، همچنین در خطبه ۹۳ می‌فرماید: «پس از من پرسید، پیش از آن که مرا از دست بدهید، که سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، هرچه درباره حوادث امروز تا قیامت از من پرسید پاسخ خواهم داد، و اگر درباره گروهی که صدتن را هدایت می‌نماید و صدتن را گمراه می‌سازد از من سؤال کنید شما را از آن آگاه می‌کنم. از کسی که مردم را به آن دعوت می‌کند و کسی که رهبریشان می‌نماید و کسی که آنان را می‌راند، و آن‌جا که فرود می‌آیند، و آن‌جا که بار می‌اندازد، و آن که از آنان کشته می‌شود، و آن که به مرگ طبیعی می‌میرد. و اگر مرا از دست بدهید و آن‌گاه حوادث تلخ و مصیبت‌های سخت بر شما فرود آید، بسیاری از پرسندگان سربه زیر افکنند، و بسیاری از سؤال‌شوندگان از جواب درمانند.»

این سخنان نشان می‌دهد که:

اولاً رسول خدا (ص) دارای ولایت معنوی بود که می‌توانست به درخت فرمان دهد و درخت اطاعت نماید.

ثانیاً رسول خدا (ص) امیرالمؤمنین را به صورتی خاص تربیت کرده و علم آموخته که با تربیت و علم آموزی معمولی تفاوت دارد، به طوری که امیرالمؤمنین توانسته به تمام مراتب هستی و تمام حوادث عالم تا قیامت علم پیدا کند و این چنین علمی وقتی میسر است که وجود معنوی حضرت علی (ع) از عالم طبیعت و عوالم دیگر برتر شده باشد.

برای اطلاع بیشتر درباره ولایت معنوی، به منابع زیر مراجعه کنید :

- ۱- مصباح الهدایه الی الخلافة والولاية، امام خمینی، مرکز تنظیم و نشر آثار امام
- ۲- رساله لب اللباب، علامه حسینی تهرانی، انتشارات حکمت
- ۳- ولایت در قرآن، آیت الله جوادی آملی، انتشارات اسراء
- ۴- ولایت نامه، ترجمه رساله الولایة از علامه طباطبائی، ترجمه همایون همتی، انتشارات امیرکبیر
- ۵- مقدمه کتاب آیه الحق (شرح حال مرحوم آیه الله قاضی)، انتشارات حکمت
- ۶- زیارت جامعه کبیره، مفاتیح الجنان

(ب) منابع

علاوه بر منابع ذکر شده

- ۱- ولایت فقیه، امام خمینی (برای معلم)
- ۲- انتظار بشر از دین، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء (برای معلم)
- ۳- قلمرو پیامبران، احد فرامرز قراملکی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش آموز)
- ۴- جلد ۲ و ۴ مجموعه آثار، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (معلم و دانش آموز)

تداوم رسالت

قسمت اول: کلیات

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی: تبیین ضرورت تداوم رسالت پیامبر در قالب امامت، پس از ایشان
- ۲- اهداف آموزشی:
 - ذکر دلایل ضرورت تداوم برخی مسئولیت‌های پیامبر پس از ایشان
 - تبیین تعیین جانشین از طرف رسول خدا (ص)
 - بیان دلایل و وقایع تاریخی که رسول خدا (ص) حضرت علی را به عنوان جانشین تعیین کرده است.

ب) پیش دانسته‌ها

مجموعه مفاهیم و موضوعات زیر که در درس‌های قبل یا سال‌های پیش آموخته‌اند، از پیش دانسته‌های این درس محسوب می‌شوند:

پیامبری و رسالت	امام و معنای آن
قلمروهای سه‌گانه رسالت	نام دوازده امام به ترتیب
ولایت معنوی	واقعه غدیر
ثقلین	ختم نبوت و خاتم النبیین
عصمت	دعوت عشیره اقربین

توجه: اطلاع از پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان، این کمک را به دبیر می‌کند که از اطلاعات قبلی دانش‌آموزان کمک بگیرد و درس را به پیش‌برد. مثلاً در هنگام توضیح واقعه غدیر، به جای اینکه خود دبیر دوباره واقعه را تکرار کند، از دانش‌آموزان بخواهد که خودشان آن واقعه را شرح دهند و

دبیر، فقط به ذکر نکات تبیینی قناعت کند.

ج) اصطلاحات علمی درس

- ۱- امامت؛ امامت در لغت به معنای پیشوایی و رهبری است. و در اصطلاح، نزد شیعیان به معنای جانشینی انسان معصوم به جای پیامبر اکرم (ص) با نصب از جانب خداست.
- ۲- آیه ولایت؛ آیه ۵۵ مائده.
- ۳- آیه تطهیر؛ آیه ۳۳ احزاب.
- ۴- اهل بیت؛ به معنای خاص شامل حضرت فاطمه (س)، حضرت علی (ع) و یازده تن از فرزندان معصوم آنان می‌شود.
- ۵- اولوالامر؛ به معنای صاحبان امر و فرمان. صاحبان امر کسانی هستند که بنا به دستور خداوند، مردم مسلمان باید امر و فرمان آنان را اطاعت کنند. با توجه به حدیث جابر، صاحبان امر، دوازده امامی هستند که از طرف رسول خدا (ص) به جانشینی آن حضرت منصوب شده‌اند.
- ۶- حدیث منزلت؛ درباره شأن و مقام حضرت علی (ع) است.
- ۷- ثقلین؛ به معنای دو ثقل، دو چیز گرانبها. این دو ثقل عبارت‌اند از قرآن و عترت.
- ۸- حدیث غدیر
- ۹- حجة الوداع

د) ارتباط با درس قبل

در درس پنجم قلمروهای سه‌گانه رسالت پیامبر اکرم (ص) مشخص گردید. از آن‌جا که پیامبر اکرم (ص) خاتم پیامبران است و پس از ایشان پیامبری نمی‌آید، در این درس به تبیین و پاسخ این سؤال می‌پردازیم که آیا مسئولیت‌های پیامبر اکرم (ص) در قلمروهای سه‌گانه خاتمه می‌یابد یا به شکلی دیگر تداوم دارد؟ این تداوم شامل کدام یک از قلمروهای رسالت می‌شود؟

هـ) محورهای اصلی درس

- ۱- ختم نبوت به معنای ختم همه ابعاد رسالت نیست.
- ۲- امامت شیوه تداوم رسالت، پس از ختم نبوت است.
- ۳- با توجه به خصوصیتی که امام باید داشته باشد، تعیین امام از جانب خدا صورت می‌گیرد.

- ۴- شأن نزول برخی از آیات قرآن کریم بر تعیین امام دلالت دارد.
- ۵- پیامبر اکرم (ص) در موارد متعددی حضرت علی (ع) و یازده فرزند ایشان را به عنوان امام معرفی کرده است.

قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری

الف) ارزشیابی از درس قبل

در ابتدای تدریس، براساس موارد تعیین شده، از دانش‌آموزان ارزشیابی به عمل می‌آید.

ب) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

مناسب است که در ابتدای تدریس از دانش‌آموزان بخواهیم که نام ائمه اطهار را به ترتیب ذکر کنند و مکلف شوند که ترتیب را حفظ نمایند. اهمیت و ارزش این کار به عنوان یک فرد شیعه و پیرو امام علی (ع) و سایر ائمه، گوشزد می‌گردد.

همچنین می‌توان لقب‌های مشهور و مهم ائمه نیز از دانش‌آموزان سؤال شود تا آنان القابی مانند : مرتضی، مجتبی، سید الشهداء، سجاد، باقرالعلوم، صادق، کاظم، رضا، تقی، نقی، عسکری و مهدی (صلوات الله علیهم) را نیز حفظ نمایند.

ج) انتخاب روش تدریس

این درس مناسب است که به شیوه طرح مسئله آغاز شود. مسئله این است که با توجه به خاتمیت پیامبر اکرم (ص) آیا ضرورتی هست که مسئولیت‌های سه گانه پیامبر ادامه یابد؟ در صورت تداوم، کدام قلمرو نیازمند ادامه است؟

برای ادامه تدریس نیز می‌توان ترکیبی از روش‌ها را انتخاب کرد. به علت این که در این درس، وقایع تاریخی نیز ذکر شده است، خوب است که از روش داستان‌گویی، اجرای نمایش توسط دانش‌آموزان، فیلم‌های تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی برای نشان دادن محل غدیر نیز بهره گرفت.

د) اجزای تدریس

در تدریس این درس، لازم است اجزای زیر گنجانده شود.

ردیف	اجزای تدریس
۱	قرائت و ترجمه آیات
۲	طرح سؤال ابتدای درس و تبیین پاسخ آن
۳	انجام فعالیت تفکر در حدیث
۴	توضیح معرفی امام در مراسم دعوت خویشان
۵	انجام فعالیت تفکر
۶	تبیین آیه ولایت و تعیین شماره آیه
۷	توضیح چگونگی نزول آیه تطهیر و تعیین شماره آیه
۸	انجام فعالیت استخراج پیام
۹	توضیح «برای مطالعه»
۱۰	تبیین حدیث جابر
۱۱	انجام فعالیت ارتباط آیه و حدیث
۱۲	تبیین حدیث ثقلین
۱۳	انجام فعالیت (استخراج پیام)
۱۴	تبیین حدیث منزلت
۱۵	تبیین حدیث غدیر
۱۶	انجام فعالیت پیام آیات
۱۷	تبیین نتیجه گیری درس
۱۸	اجرای گام دوم در کلاس

۱- قرائت و ترجمه آیات

در ابتدای تدریس درس جدید، قرائت آیات درس تمرین می شود و سپس دانش آموزان به تکمیل ترجمه آیات می پردازند.

۲- طرح سؤال ابتدای درس و پاسخ آن

دبیر، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا با رحلت پیامبر اکرم (ص) مسئولیت‌های سه‌گانه ایشان تمام می‌شود یا باید ادامه پیدا کند؟

آن‌گاه به کمک دانش‌آموزان به تبیین پاسخ می‌پردازد.

از آنجا که پیامبر اکرم (ص) خاتم‌النبین است، وحی جدید و شریعت جدیدی نخواهد آمد. پس قلمرو اول رسالت با رحلت پیامبر اکرم (ص) خاتمه می‌یابد. اما دو قلمرو دیگر مربوط به محتوای دین و هدایت مردم براساس دین اسلام و قرآن کریم است که نه‌تنها پایان نمی‌پذیرد بلکه جدی‌تر و اساسی‌تر مطرح می‌شود لذا نیازمند پیگیری جدی‌تر و تداوم بیش‌تر است.

درواقع، پیامبر اکرم هم نبی بود و هم امام، از جنبه نبی بودن پیام الهی را می‌گرفت و به مردم می‌رساند. از جنبه امام و پیشوای مردم بودن، احکام و معارف دین را به آنان تعلیم می‌داد (مرجعیت علمی)، زندگی اجتماعی آنان را براساس موازین دین، رهبری و سرپرستی می‌نمود (ولایت ظاهری) و به اذن خداوند، نفوس لایق را دستگیری باطنی می‌کرد و واسطه رحمت و فیض خداوند بود (ولایت معنوی). پیامبر اکرم (ص) خاتم انبیاست؛ یعنی فقط مسئولیت دریافت و ابلاغ شریعت تمام شده است. اما امامت و پیشوایی ایشان که در مسئولیت‌های دوگانه تجلی می‌کند، همچنان ادامه دارد و خواهد داشت.

این جاست که شناخت پیشوا و امام در هر زمانی ضرورت می‌یابد و کوتاهی در شناخت وی سبب می‌شود که انسان در عرصه مرجعیت علمی، ولایت ظاهری و ولایت معنوی از پیشوایی معصوم بی‌بهره و بی‌نصیب بماند.

۳- انجام فعالیت «تفکر در حدیث»

تفکر در این حدیث، توجه دانش‌آموزان را به زندگی «جاهلیت» که زندگی قبل از اسلام و ضداسلام است، جلب می‌کند. در واقع زندگی یا اسلامی است و یا اگر اسلامی نیست، جاهلانه است. دانش‌آموزان با اندیشه در این حدیث درمی‌یابند که مهم‌ترین ویژگی زندگی جاهلانه، نظام غیرالهی و حاکمیت و فرمانروایی ظالمانه آن است. هرکس حکومت غیرالهی را بپذیرد، زندگی جاهلانه را برگزیده و در نتیجه مرگ در جاهلیت خواهد داشت.

۴- توضیح معرفی امام در مراسم دعوت خویشان

روز مراسم دعوت خویشان به «یوم‌الانذار» مشهور است. زیرا در این آیه‌ای که به این مناسبت نازل شد، به پیامبر اکرم (ص) فرمان می‌دهد که خویشان نزدیک خود را انذار کن (و انذر عشیرتک الاقرین و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین) (شعراء، ۲۱۴ و ۲۱۵)

دانش‌آموزان درباره‌ی این مراسم اطلاعاتی از سال‌های قبل دارند، از این رو بهتر است که دبیر از معلومات آنان استفاده کند و از دانش‌آموزان مطلع بخواهد که آن داستان را ذکر کنند.

توجه : برای تحکیم و تقویت انس و موَدّت دانش‌آموزان با حضرت علی (ع) و امامت، بسیار مناسب است که در جلسه‌ی بعدی برخی از این موارد (دعوت خویشان، نزول آیه‌ی تطهیر و واقعه‌ی غدیر) به‌صورت نمایش اجرا شود. کتاب «سلام بر خورشید» منبع مناسبی برای این کار است.

۵- انجام دادن فعالیت تفکر

پس از بیان مراسم دعوت خویشان، فعالیت تفکر توسط دانش‌آموزان انجام می‌گیرد تا خودشان از داستان نتیجه‌گیری کنند و با دقت در کار رسول خدا (ص) به اهمیت آن بیش‌تری ببرند. جواب سؤال‌های طرح‌شده در تفکر این است که : این اقدام پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که اولاً، جانشینی پیامبر چنان اهمیتی دارد که از همان روزهای اوّل دعوت باید برای مردم مشخص شود. ثانیاً، جانشینی پیامبر اکرم (ص) ویژگی‌هایی دارد که نمی‌توان آن را به انتخاب مردم واگذار کرد. به همین جهت باید از همان ابتدا به مردم معرفی شود تا مردم آن جانشین را بشناسند.

۶- تبیین آیه ولایت

دبیر محترم ابتدا از دانش‌آموزان می‌خواهد که اگر کسی داستان مربوط به آیه ولایت را می‌داند، آن را توضیح دهد. سپس دبیر تذکر می‌دهد که بیان برخی حوادث مرتبط با نزول آیات در زمان پیامبر را شأن نزول می‌گویند. از آن‌جا که آیات قرآن کریم به تدریج و در شرایط خاص نازل می‌شد، آن شرایط خاص گویای بسیاری از حقایق بود و پیامبر اکرم (ص) آن حقایق را برای مردم آشکار می‌کرد؛ مثلاً، با این که آیه ولایت یک موضوع کلی را بیان می‌کند، اما چون در زمانی نازل شد که مصداق آن در همان زمان اتفاق افتاده بود، پیامبر اکرم (ص) با استفاده از همزمانی نزول آیه با اعطای انگشتی توسط حضرت علی (ع)، ولایت آن حضرت را به مردم اعلام کرد.

در مورد اعطای انگشتی سؤال‌هایی مطرح شده که در بخش دانستنی‌های معلم به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۷- توضیح چگونگی نزول آیه تطهیر

دبیر از دانش‌آموزان می‌خواهد که داستان مربوط به آیه تطهیر را که مشهور به «حدیث کسا» است، بیان کنند و آیه و سورة آن را مشخص نمایند.

۸- انجام فعالیت استخراج پیام

بعد از طرح آیه تطهیر و داستان مربوط به آن، بار دیگر دانش‌آموزان درباره‌ی داستان و آیه اندیشه

می‌کنند و استنباط خود را در قالب ذکر پیام توضیح می‌دهند. توجه شود که از مجموعه داستان و آیه باید استنباط صورت گیرد، نه از خود آیه به تنهایی.

از جمله پیام‌هایی که از این آیه و داستان استنباط می‌شود این است که :

۱- این آیه عصمت حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) را اعلام می‌کند: زیرا آنان را از هرگونه رجس و پلیدی دور می‌دارد.

۲- اهل بیت به این معنای خاص که از هر پلیدی دور باشند، فقط شامل همین افراد می‌شود. البته این، مربوط به اهل بیت در زمان پیامبر اکرم (ص) است که در این واقعه در کنار پیامبر جمع شدند؛ از روایات دیگر نیز سایر اهل بیت معصوم را اثبات می‌کنیم.

۳- چون اهل بیت معصوم هستند، سخن و عمل آنان معیار و ملاک است و باید به آن‌ها عمل کرد. یعنی نظر و عمل آنان حجت است.

۹- توضیح قسمت برای مطالعه

در قسمت برای مطالعه نکاتی آمده که تبیین امامت را آسان‌تر می‌کند و پاسخ به اشکالات دیگران را می‌دهد. لذا خوب است که حتماً توسط دبیر، یک بار در کلاس مطرح شود.

۱۰- بیان حدیث جابر

دبیر، حدیث جابر را برای دانش‌آموزان بیان می‌کند. اما نکات و پیام‌های آن را توضیح نمی‌دهد. زیرا این پیام‌ها باید توسط دانش‌آموزان و با انجام فعالیت، استخراج شود.

۱۱- انجام فعالیت ارتباط آیه و حدیث

دانش‌آموزان نوعی دیگر از تدبیر در آیات را که ارتباط دادن میان آیه و حدیث است، تمرین می‌کنند و به تکمیل پیام‌ها می‌پردازند.

۱- مسلمانان باید در برنامه‌های زندگی خود از خدا و رسول و صاحب امر (اولوالامر) اطاعت کنند.

۲- از آن‌جا که این سه اطاعت در کنار هم قرار گرفته‌اند، سرپیچی از هر کدام از سه مورد حرام است.

۳- از آن‌جا که مصداق صاحب امر در آیه مشخص نشده، برای آگاهی مردم و به اشتباه نیفتادن آنان لازم است که رسول خدا ایشان را مشخص نماید.

۴- مصداق صاحب امر، بنابر سخن پیامبر اکرم دوازده نفر هستند که دانش‌آموزان باید نام این دوازده نفر را به ترتیب و مطابق با حدیث بنویسند.

۱۲- تبیین حدیث ثقلین

دبیر، حدیث ثقلین را توضیح می‌دهد، اما پیام‌های آن را به عهده دانش‌آموزان می‌گذارد.

۱۳- انجام فعالیت استخراج پیام

بعد از توضیح دبیر، دانش‌آموزان در حدیث تفکر می‌کنند و به تکمیل پیام‌ها می‌پردازند. پیام اول و دوم به نحو کاملی آمده است.

در پیام سوم می‌خوانیم در صورتی مسلمانان گمراه نمی‌شوند که از هر دو ثقل پیروی کنند. در پیام چهارم آمده است که نمی‌توان برای هدایت به یکی از این دو تمسک جست. زیرا این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند و قابل تفکیک نیستند.

۱۴- تبیین حدیث منزلت

این حدیث بیانگر جایگاه حضرت علی (ع) نزد پیامبر است.

۱۵- تبیین حدیث غدیر

از آن جا که دانش‌آموزان در سال‌های قبل با واقعه عظیم غدیر آشنا شده‌اند و در جشن‌های مربوط به آن هم معمولاً شرکت کرده‌اند، خوب است که اصل داستان را دانش‌آموزان شرح دهند و دبیر به تکمیل و تصحیح بپردازد.

۱۶- انجام فعالیت پیام آیات

دانش‌آموزان با تدبیر در آیه ۶۷ سوره مائده به سؤال‌ها پاسخ می‌دهند.

پاسخ سؤال اول: آنچه بر او نازل شده و بدان فرمان یافته، به مردم برساند و ابلاغ کند.

پاسخ سؤال دوم: اهمیت این فرمان به آن میزان است که اگر انجام نگیرد، اصل رسالت به انجام نرسیده است.

پاسخ سؤال سوم: زیرا ابلاغ این پیام، منافع برخی را به خطر می‌انداخت و احتمال آن بود که به مخالفت برخیزند.

۱۷- تبیین نتیجه‌گیری درس

در پایان درس، چهار نتیجه مهم از این درس گرفته شده که لازم است دبیر آن را توضیح دهد.

۱۸- اجرای گام دوم در کلاس

یادآوری می‌کنیم که هر گام، برنامه‌ریزی برای انجام یک کار جدید و تکمیل پیمان‌های زندگی است. معمولاً پس از چند درس که موضوعی تثبیت می‌شود و پایان می‌پذیرد، نتیجه‌گیری عملی و کاربردی آن به صورت «گام» عرضه می‌شود.

اکنون که در پایان درس پنجم، امامت حضرت علی (ع) تبیین شده است، بسیار مناسب است یک برنامه عملی برای تقویت پیوند با امیر مؤمنان و اسوه عدالت خواهان طراحی شود. این برنامه عملی، مشارکت در بزرگداشت یاد غدیر و پیمان بر پیروی از امیر مؤمنان است.

هـ) انجام اندیشه و تحقیق

مجموعه سؤال‌های اندیشه و تحقیق مربوط به واقعه غدیر است. این سؤال‌ها ابعاد دیگری از این واقعه را باز می‌کند و فرصت تفکر بیش‌تری به دانش‌آموزان می‌دهد تا نتایج آن را بهتر به‌دست آورند. پاسخ سؤال «الف» این که همزمانی واقعه غدیر با حج می‌تواند در جهت اطلاع‌رسانی باشد تا این انتصاب به اطلاع مردم در سرزمین‌های مختلف برسد.

پاسخ سؤال «ب» این است که ادامه کار پیامبر اکرم (ص) بستگی کامل به امامت و رهبری حضرت علی (ع) داشت و اگر این واقعه اتفاق نمی‌افتاد و مردم حضرت علی (ع) را به‌عنوان جانشین پس از پیامبر نمی‌شناختند، اصل دین مورد تهدید قرار می‌گرفت.

پاسخ سؤال «ج» این است که گفتن تبریک و تهنیت، نشانه آن است که آن مردم دانستند حضرت علی به منصب امامت برگزیده شده و با گفتن تبریک، رضایت و وفاداری خود را اعلام کرده‌اند.

طرح یک اشکال : ممکن است گفته شود که عملاً خلافت و حکومت، به جز مدت کوتاهی، به حضرت علی (ع) و فرزندان ایشان نرسید. پس چرا اسلام از بین نرفت؟

پاسخ این است که خلافت و حکومت ظاهری یک قلمرو از قلمروهای رسالت است. و آن حضرت و فرزندان بزرگوار ایشان در دو قلمرو دیگر پیشوایی و هدایت خود را در حدّ مقدور و با توجه به شرایط به انجام رساندند و مانع قلب حقیقت اسلام شدند. البته اگر حکومت ظاهری نیز در جایگاه خود قرار می‌گرفت نه تنها حقیقت اسلام به نسل‌های آینده بهتر می‌رسید بلکه علاوه بر آن، زمینه‌های کمال و تعالی انسان‌ها و زندگی عادلانه و سالم در دنیا نیز فراهم می‌شد اما اگر این امامان معصوم و بزرگوار نبودند، امروزه خبری از حقیقت اسلام در اختیار مردم قرار نمی‌گرفت و از لحاظ فکر، اندیشه، فرهنگ و معارف آن چنان انحرافی بیش می‌آمد که شناخت هویت اسلامی و حدود آن از هویت‌های دیگر غیرممکن می‌شد. این مسئله در درس‌های هفتم و هشتم تبیین شده است.

پاسخ سؤال «ج» این است که به سه جهت نمی‌توان «مولا» را به معنای دوست گرفت یکی از آن جهت که پیامبر اکرم (ص) قبل از آن از مردم سؤال کرد «من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم — چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.» وقتی که مردم گفتند: خدا و پیامبرش، پس از آن پیامبر

فرمود «من کنت مولا فلهذا علی مولا». این «مولا» باید متناسب با جمله قبل باشد که خدا و رسول را از خود مؤمنان سزاوارتر در تصرف معرفی می‌کند.

جهت دیگر این است که اگر «مولی» به معنای دوست باشد، اعلام آن نمی‌تواند متناسب با آیه‌ای باشد که قبل از واقعه نازل شد و به پیامبر اکرم (ص) فرمود اگر این مأموریت را انجام ندهی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

جهت سوم نیز این است که طراح و انجام این واقعه بزرگ و تاریخی و بیان خطبه‌ای بسیار طولانی متناسب با اعلام دوستی حضرت علی (ع) نیست بلکه متناسب با اعلام رهبری و جانشینی است. پاسخ سؤال «د» این است که این تبریک و تهنیت نشانه تعیین حاکم و جانشین است که درواقع بیان نوعی بیعت و قبول ولایت از جانب مردم بود.

و) انجام پیشنهاد

یکی از مهم‌ترین اهداف این درس افزایش رابطه مودت با ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام است، بنابراین در بخش پیشنهاد باید طرح‌هایی دنبال شود که این هدف را تقویت کند. تشویق دانش‌آموزان به برنامه‌ریزی برای برگزاری عید غدیر، سرودن شعر، بیان ادبی از غدیر، طراحی واقعه غدیر، اجرای نمایشی داستان‌های مربوط به تعیین جانشینی پیامبر اکرم (ص) و مانند آن‌ها به این هدف مقدس کمک می‌کند.

ز) ارزشیابی از میزان یادگیری

در این درس، در موارد زیر باید ارزشیابی به عمل آید :

- ۱- قرائت و ترجمه آیات
- ۲- تبیین ضرورت ادامه رسالت در قالب امامت
- ۳- انجام فعالیت تفکر در حدیث
- ۴- ضرورت تعیین امام از جانب پیامبر
- ۵- توضیح معرفی امام در دعوت خویشان
- ۶- انجام فعالیت تفکر
- ۷- توضیح آیه ولایت و داستان آن
- ۸- انجام فعالیت استخراج پیام
- ۹- توضیح حدیث جابر

- ۱۰- انجام فعالیت ارتباط میان آیه و حدیث
- ۱۱- توضیح حدیث ثقلین
- ۱۲- انجام فعالیت استخراج پیام
- ۱۳- توضیح حدیث منزلت
- ۱۴- توضیح داستان غدیر
- ۱۵- انجام فعالیت پیام آیات
- ۱۶- بیان نتایج درس
- ۱۷- پاسخ به سؤال‌های اندیشه و تحقیق
- ۱۸- انجام پیشنهادها و توضیح نکات قسمت‌هایی برای مطالعه

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی‌های ضروری معلم

۱- در مورد اعطای انگشتی در حال نماز، که توسط حضرت علی (ع) انجام گرفت، این اشکال مطرح شده که این عمل نشان‌دهنده عدم حضور قلب کامل آن حضرت بوده است.

این مسئله یک پاسخ عرفانی دارد که در قالب «حال» و «مقام» توضیح داده می‌شود و در این جا نیازی به طرح آن نیست. پاسخ ساده‌مطلب آن است که حضور قلب دارای مراتب مختلفی است: برخی از افراد توانایی تمرکز و حضور قلب را ندارند و در حال دعا، مناجات و نماز نمی‌توانند فکر خود را متمرکز بر آن عمل کنند، تخیلات گوناگون وارد می‌شود و نمی‌گذارد که فکرشان فقط درگیر آن عمل باشد.

اگر کسی برای حضور قلب برنامه‌ریزی جدی کند و توصیه‌های معصومین و بزرگان را به کار بندد و آن‌ها را تمرین نماید، ابتدا به جایی می‌رسد که در برخی از مراحل عبادت حضور قلب دارد و از دست تخیلات خود را رها می‌کند یا سر و صدای اطراف نمی‌تواند توجه او را جلب کند. ممکن است این حالت چند دقیقه یا چند ثانیه باشد و دوباره به سمت خیالات خود برود یا توجهش به سمت حوادث اطراف جلب شود.

اگر این تمرین ادامه یابد و برنامه را پیش ببرد، می‌توان به جایی رسید که حضور قلب او کامل

شود و در تمام طول عبادت و نماز توجهی به اطراف خود و تخیلات خود نداشته و فقط متمرکز در عبادت باشند. چنین فردی همین که بخواهد به اطراف توجه کند از تمرکز و حضور قلب بیرون می‌آید و حواسش پرت می‌شود. به همین جهت اگر فرصت کار خیر دیگری برای او باشد، نمی‌تواند این دو خیر را با هم جمع کند و همزمان انجام دهد؛ مثلاً، نمی‌تواند در همان حال که عبادت می‌کند و حضور قلب دارد، به دیگری احسان هم بکند.

مرتبه‌عالی‌تر، مرتبه‌کسی است که در عین حضور قلب در عبادت، از امور اطراف خود غافل نیست؛ یعنی به مرتبه جمع رسیده است. اینان توانایی آن را دارند که در عین حضور قلب در عبادت، بتوانند از کار خیر دیگری که قابل جمع با این عبادت باشند، غافل نشوند و هر دو عبادت را انجام دهند.

۲- سخنان حضرت فاطمه (س) درباره عترت و امامت

— محمدبن لبید می‌گوید: پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، فاطمه (س) را در کنار قبر حضرت حمزه در اُحد در حال گریه و عزاداری مشاهده کردم. فرصت را غنیمت شمرده و پرسیدم: آیا برای امامت علی (ع) از سخنان رسول گرامی اسلام (ص) می‌توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا (س) پاسخ داد: شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟

شنیدم که پیامبر گرامی اسلام فرمود: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم. علی امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم، حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین پیشوایان و امامانی پاک و نیک‌اند. اگر از آن‌ها اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند کرد و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بالای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا امام علی (ع) سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟ حضرت زهرا (س) پاسخ داد: رسول خدا (ص) فرمود: مَثَلُ امام، مَثَلُ کعبه است. مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آن که کعبه دور مردم طواف نماید.

سپس حضرت زهرا (س) ادامه داد: آگاه باشید؛ قسم به خدا اگر حق را به اهلش واگذار می‌کردند و از عترت رسول خدا اطاعت می‌نمودند، دو نفر هم درباره حکم خداوند با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند و امامت همان گونه که رسول خدا (ص) معرفی فرمود، از علی (ع) تا حضرت قائم (عج) فرزند نهم امام حسین (ع) از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می‌رسید، اما افسوس ... ره‌آورد بعثت را انکار کردند و به بدعت‌ها روی آوردند، آن‌ها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و براساس رأی و نظر خود عمل کردند ...

آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ

وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ^۱ - و پروردگار تو آن چه می خواهد می آفریند و برمی گزیند اما آنان را توان برگزیدن نیست. پاک و منزّه است خدای، و از آن چه شریک می گیرند برتر است.»
 آری شنیدند، اما همان گونه که قرآن فرمود «فَأَنَّهُ لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ فِي الضُّلُومِ^۲ - زیرا چشم های اینان نابینا نیست، اما دل هایی که در سینه هاست کور و نابیناست.»
 - حضرت زهرا (س) فرمود :

«نَحْنُ وَسَيَلَّتْهُ فِي خَلْقِهِ وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ وَمَحَلُّ قُدْسِهِ وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ؛ ما اهل بیت رسول خدا (ص) وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم، ما برگزیدگان خداییم و جایگاه پاکی ها، دلیل های روشن خداییم و وارث پیامبران الهی.»^۳

۳- شعری درباره غدیر
 آن روز، محمد از نگاهش
 بر چهره دشت نور پاشید
 از پشت تمام تیرگی ها
 خورشید به روی دشت خندید

از دعوت آسمانی او
 آرام، علی ز جای برخاست
 او گفت: پس از غروب خورشید
 این رود زلال حکمفرماست

یک دفعه، تمام دشت پر شد
 از عطر صمیمی خداوند
 بر شاخه صبح تاب خوردند
 گل های ظریف و سرخ لبخند

۱- قصص، ۶۸.

۲- حج، ۴۶.

۳- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

آهسته به روی دشت بارید
لبخند فرشتگان زیبا
هم دشت غدیر شد پر از شوق
هم کوچه قلب آسمان‌ها

امروز که باز روز عید است
هرچند علی میان ما نیست
این روز زلال و صاف و شفاف
در سینه آفتاب جاری است

رودابه حمزه‌ای

۴- متن زیر ترجمه شعر «بولس سلامه» ادیب و شاعر مسیحی لبنانی است :

نگو که فقط شیعه دوستدار علی است
هر انسان منصف و عادل شیعه است
او فخر تاریخ است،
نه فخر ملتی که او را برگزیده و ولی نامیده
گرچه علی پیامبر نیست،
اما خُلق و خوی او پیامبرگونه است
خدای سخن پس از پیامبر
و کسی است که برادر، داماد و وصی پیامبر بود
حق در جان من مسیحی چنان طنین افکنده
که از شدت عشق و علاقه و محبت علی
از علویانم
ای آسمان شاهد باش و ای زمین آرام بگیر
و بدان که من علی را یاد کردم
او بعد از پیامبر بهترین پیشواست
و هستی همانندی برای علی ندیده است.

۵- تربیت خاص حضرت علی(ع) به وسیله پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اکرم (ص) با ولایت معنوی خود حضرت علی (ع) را تربیت فرمود به طوری که حضرت علی (ع) در همان کودکی ملکوت عالم را طی کرد و حقایق عالم را مشاهده نمود و خود صاحب ولایت معنوی گشت. ایشان خود در خطبه فاصعه اشاراتی به این تربیت ویژه و درک مراتب غیب عالم می‌کند و می‌فرماید :

پیامبر مرا در اتاق خویش می‌نشانند، درحالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می‌گرفت، و در بستر مخصوص خود می‌خوابانید، بدنش را به بدن من می‌چسباند و بوی پاکیزه خود را به من می‌بویاند، و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می‌گذارد، هرگز دروغی در گفتار من و اشتباهی در کردارم نیافت. از همان لحظه‌ای که پیامبر را از شیر گرفتند خداوند بزرگ‌ترین فرشته خود را مأمور تربیت او کرد تا شب و روز او را به راه‌های بزرگواری و راست و اخلاق نیکو راهنمایی کند و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همراه با مادر است. پیامبر هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم. پیامبر چند ماه از سال را در غار حراء می‌گذراند، تنها من او را مشاهده می‌کردم و کسی جز من او را نمی‌دید، در آن روزها در هیچ خانه‌ای اسلام راه نیافت جز خانه رسول خدا (ص) که خدیجه در آن بود و من سومین آنان بودم. من نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را می‌بوییدم. من هنگامی که وحی بر پیامبر فرود می‌آمد، ناله شیطان را می‌شنیدم، گفتم ای رسول خدا این ناله کیست؟ گفت : شیطان است که از پرستش خویش مأیوس می‌گردد. آنچه را که من می‌بینم، می‌بینی جز این که تو پیامبر نیستی بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می‌روی^۱.

ب) منابع

- ۱- امام‌شناسی، علامه حسینی تهرانی، انتشارات حکمت (برای معلم)
- ۲- سلام برخوردارشید، سید علی‌اکبر حسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (برای دانش‌آموز)
- ۳- الغدیر، علامه امینی، خلاصه فارسی، در یک جلد (برای معلم)
- ۴- اصول اعتقادی و دستورات دینی، علامه طباطبائی، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبائی (برای دانش‌آموز)
- ۵- آفتاب اندیشه، ج ۳، حسین سوزنجی، انتشارات مدرسه (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۶- تجلی ولایت در آیه تطهیر، آیت‌الله جوادی آملی، انتشارات اسراء (برای معلم و دانش‌آموز)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ معروف به خطبه فاصعه

- ۷- امامت و رهبری، استاد مطهری، صدرا (برای معلم)
- ۸- شیعه در اسلام، علامه طباطبائی (برای معلم)
- ۹- فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات (برای معلم و دانش آموز)
- ۱۰- نقش ائمه در احیاء دین، علامه عسکری، بنیاد بعثت (برای معلم و دانش آموز)
- ۱۱- ولایت در قرآن، آیت الله جوادی آملی، انتشارات اسراء (برای معلم و دانش آموز)
- ۱۲- تاریخ علم کلام و مذاهب اسلام، علی محمد ولدی، انتشارات بعثت (برای معلم)
- ۱۳- فروغ ولایت، استاد جعفر سبحانی، انتشارات صحیفه (برای معلم و دانش آموز)
- ۱۴- در پرتو ولایت، استاد مصباح، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (برای معلم)
- ۱۵- تشیع مولود طبیعی اسلام، محمدباقر صدر (برای معلم و دانش آموز)